

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

## در صفحات دیگر

تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران  
هوشنگ پورکریم ..... ص ۳  
بافتالیتهای سندیکائی زحمتکشان جهان  
آشنا شویم ..... ص ۲  
قصه بالاسی محمد قاسم زاد ص ۶  
در باره داستان کوتاه قرقیزی  
میخائیل رودف ..... ص ۲

## گره‌های در کار است

آن گونه که مردم می‌اند و مواظطراب می‌بینند، کشاکشی که چند است بر سر انتخاب نخست وزیر و تشکیل هیئت دولت در گرفتار است، از حد و عادی اختلاف سلیقه در شیوه عمل سیاسی یا رقابت و جاه طلبی ناگزیر و قابل اغماض میان گروه‌ها و افراد فراتر رفته به صورت نبرد آشکار قدرت میان دو گروه پیش‌قدم، که هر دو خود را "مکتبی" می‌خوانند و هر یک مکتبی بودن را منحصر به خود می‌دانند. در آمد هاست چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی ایران هر جا که امکان سخن‌بیا بند، در خطبه نماز، در مجلس شورای اسلامی، در اجتماعات، در مصاحبه‌ها روزنامه‌ها و در یوتیوب، بی‌پرده یا با کتایه‌هایی صریح ترا ز گفتار مستقیم، به جان هم می‌افتند و بی‌استناد به "ميثاق وحدت" یکدیگر را به عهد شکنی و زیاد طلبی و قدرت خواهی و انحراف از اصول متهم می‌کنند. و طرف ایمن کشاکش تا سلف با رچنان با هم در افتاد تا ند که به دشواری می‌توان تصور کرد قادر باشند به توافق پایدار برسند و اگر هم به ضرورت برای آن که کار کشور مورد مولوبهظا هر معطل نماند، یکی را به نام نخست وزیر به کار بگمارند، گره هیچ کار اساسی به دست اوگشود نخواهد شد. و این در حالی است که کوهی از مشکلات در هر دو زمینه داخلی و خارجی در برابر جمهوری اسلامی ایران نهاد است، توطئه عوامل ضد انقلاب و تهدید نیروهای امپریالیستی به شدت ادامه دارد و حل نهائی مسائل عمده انقلاب، یعنی از ریشه برکنند بقایای فئودالیسم و بزرگ مالکی، بریدن رشته‌های وابستگی اقتصاد ایران به سرمایه‌های انحصاری بین‌المللی، به حرکت در آوردن چرخ‌های تولید و ریختن پایه‌های مجموعه گسترده و متنوع و هماهنگ صنایع ملی، به اجراء آوردن اصول قانون اساسی در باره حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و تشکیک انواع شوراهای مشابه ارگانهای اعمال حق حاکمیت مردم، کم و بیش معوق مانده است. بقیه در صفحه ۸

## پارلمان جهانی ملتها برای صلح

به ابتکار شورای جهانی صلح از ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر سال - یکم تا پنجم مهر ۱۳۵۹ - اجتماع نمایندگان همه ملت‌های جهان در رسوفیه (بلغارستان) زیر عنوان "پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح" تشکیل خواهد شد و این مهم‌ترین گردهمایی‌هایی خواهد بود که شورای جهانی صلح در رسی سانه موجودیت خود ترتیب داده است. نمایندگان احزاب سیاسی،

اتحادیه‌های کارگری و دیگر سازمان‌ها - های توده‌ای جنبش‌های صلح، جریان‌های مذهبی، سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی، همه‌ها خواهند صلح و تشنج زدایی، همه کسانی که با انباشت خطرناک سلاح‌ها و تلاش برای بازگشت فضای جنگ سرد و ستیزه‌جویی مخالف‌اند، از سوی شورای جهانی صلح به شرکت در این گردهمایی دعوت شده‌اند. اکنون تراکم جنگ افزاری به بالا - ترین میزان خود در تاریخ رسید هاست. نیروهای که از تولید جنگ افزار رسود می‌برند به عمد هیستری جنگی را دامن می‌زنند. خطر یک جنگ سرد دیگر، واگرا پیشگیری نشود، خطر یک جنگ تعامی را بر فرا ز سر بشریت معلق است.

در دهه هفتاد قرن حاضر شاهد پیروزی‌های بزرگ صلح و استقلال ملی بود هاست و به حق در دهه تشنج زدائی نا امید شده است. اما نیروهای امپریالیسم ارتجاع هرگز واقعیت شکست‌هایی را که در دهه هفتاد متحمل شدند نیز بی‌زنده‌اند. آنان در پی آن‌اند که دهه هشتاد را در مسیر واگونی سرا سر روندی که در دهه هفتاد آغاز شد ببیند. آنان می‌خواهند تشنج زدایی را از میان بردارند و سیاست رفتار زبر لیسه پرتگاه را به خطرناکترین وجهی تبدیل کنند. برای همه کسانی که صرف نظر از اختلافشان در باره مسائل دیگر - خطیر بودن وضع کنونی بین‌المللی را درک میکنند، امری حیاتی است که نیرو و تلاش خود را متحد سازند تا پیروزی‌های صلح در دهه گذشته رطبول سالهای دهه هشتاد به بعد را چ عالی تری برسد، صعود مارپیچی تراکم جنگ افزارها متوقف گردد و تحکیم روند تشنج زدائی تأمین شود. پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح نمایندگان اکثریت وسیع مردم جهان را در ریک محل گرد خواهد آورد. ملت‌های جهان توانایی آن را دارند که جنگ افزوزان رسود جو - یان تولیدات جنگی را شکست دهند.

## کنگره اخیر جبهه آزادیبخش الجزایر اعلام داشت:

هدف حزب ساختمان سوسیالیسم در چارچوب ارزشهای ملی و اسلام است.

برگزاری کنگره فوق‌العاده جبهه آزادیبخش ملی الجزایر از ۱۵ تا ۱۹ ژوئن در الجزایر حادثه بسیار مهمی در زندگی خلق الجزایر بشمار می‌رود. تقریباً چهار رهنما نمایند ه از فرستادگان کارگران، دهقانان، رهبران دستگاه دولت، سندیکاها، جوانان و سایر سازمان‌های توده‌ای و ارتش در کار این کنگره شرکت کردند. این کنگره توجه افکار عمومی مترقی و دموکراتیک جهان را شدیدا بخود جلب نمود. این مسئله کاملاً قابل درک است، زیرا برای نخستین بار حزب فرمانروای الجزایر تصویب برنامه رشد اقتصاد و اجتماعی کشور را در دستور قرار داده بود. بقیه در صفحه ۷

## در هفته گذشته

روزیکشنبه ۵/۵/۵۹ رسانه‌های گروهی خیرمرگ بزرگ جلاد ایران شاهمخلوع را منتشر کردند. مرگ این جرشومه فساد، تبه‌کار دغلی، سرسپردگی، خونخواری و مظهر بیکی از جبارترین و خون‌آشام‌ترین رژیم‌های دیکتاتور جهانی، اگر چه تا سلف جهان نخواران امپریالیست به ویژه آمریکا را برانگیخت، لیکن برای ملت ایران این افسوس باقی مانده که فرصت نیافت این جنایتکار قرن را همرا ه با امپریالیست او به محاکمه بکشاند و سپس به قصاص خون هزاران هزار رومیهن پرست ایرانی و بی‌نواایی و فقر سیاه میلیون هاتن مردم شریف این مرزوبوم به جوخه اعدا ام بسپارند. مویه‌های دلخراش کارتر - سادات - بگین و دیگر نمایندگان جهان امپریالیسم ام از زاپتی، کانادایی، اروپایی غربی در مردن شاه به خاطر خود اونیست، بلکه بیشتر برای دل‌داری دادن به نوکران حلقه بگوشی چون ضیاء الحق‌ها، خالد‌ها، سادات‌ها، ملک حسین‌ها و امثال آنهاست که ربا بان خود را فراموشکارویی و فانیند ارند. تقارن مرگ شاه و ارسال نامه نمایندگان کنگره آمریکا خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی شایعات در باره قتل شاه مخلوع توسط پزشک عضو "سیا" (جمهوری اسلامی ۶/۵/۵۹) را قوت می‌بخشد. امپریالیسم آمریکا برای نجات جاسوسان خود از دست مردم ایران و احیای فوری پیا بقیه در صفحه ۸

## کارگران خارجی در سیستم انحصاری سرمایه‌داری (۲)

جای تعجب نیست که در اوضاع و احوال مورد بحث، شرایط واقعی میلیونها زحمتکش مهاجر با حد اقل نیازها و اصول مقرر در قرار دادها و بیبمانی بین‌المللی در باره حقوق بشر و عهد نامه‌ها و موافقتنامه‌ها یکی یا چند جانبه کشورهای صادرکننده مهاجر را در کننده نیروی کار فاصله زیاد دارند. با اینکه ظاهراً فعالیتها از زحمتکشان مهاجر در اغلب کشورهای مهاجر پذیر تحت هدایت مواد عمومی قانون کار مورد عملشان قرار دارد، عملاً آنها قربانی اشکال مختلف سیاست تبعیض‌اند. از این رو شرایط این گروه از کارگران در همه جوانب زندگی اجتماعی و اقتصادی به مراتب بدتر از شرایط زحمتکشان محلی است. زحمتکشان مهاجر بدوا در حقوق کار و شرایط کار و روزمزد در چار تبعیض‌اند. مثلاً در فرانسه که شرایط کار در این زمینه بهتر از سایر کشورهای وارد کننده نیروی کار است، اختلاف سطح مزد فرانسوی - ها و مهاجرین در کار معین نزدیک به بیست درصد است. در اغلب کشورهای اروپایی با ختری روزانه کار این گروه از زحمتکشان متجاوز از حد اکثر مجاز قانون است. در جمهوری فدرال آلمان، ساعت کار کارگران مهاجر کارخانه‌های کونزورن مانسلمان، تورف ورکه و غیره بیش از هشتاد ساعت در هفته است. بقیه در صفحه ۵

## مقام امپریالیسم در تاریخ ۱- امپریالیسم، مرحله ویژه سرمایه‌داری

میکبرد. امپریالیسم مرحله عالی و نهائی سرمایه‌داری است. دکتترین لنین در باره مقام امپریالیسم در تاریخ، دکتترین مارکس در باره

## گواهی چشم و گوش ۴

جمعه ششم تیر ساعت شش با مداد شاخ و برگ باران شسته در رختان کوچک به پنجره می‌سایند. روشنائی سبز و نمناکی از پس پرد زنبوری به درون اطاق سرریز کرد هاست. فضائی کوچک، باد بوارهای شیرآهک مانیده تخت آهنی سرمایه‌داری به هرکترین حرکتی به نالشی می‌افتد. و من که تمام شب رابه غلت و واغلت می‌گذرانم. از دست هم اطاقی ام شرمند. - ام آیا توانسته‌است بخوابد؟ دست و روپی می‌شویم. نیم ساعتی نمی‌گذرد که راطاق‌های بالا و پائین همه سرپا هستند. به زیر می‌آیم. هوا، پس از باران تند و یسب، خیس می‌نماید. آب‌نازکی، بیشترمه تا بر آهمن را فرا گرفته است. آفتاب تازه برآمده زوری ندارد. آبا خواهدیم توانست به کابل برگردیم؟ - هنوز نمی‌تواند انست. به هرکه می‌رسی، چیزی می‌گوید: دروغ و راست، باچاشنی خنده و متلک، و نیش نازکی از کم جوصلگی. طبیعی است. می‌شنوم که از کابل هلیکوپتری برای ما فرستاده‌اند. ولی جا برای همه نیست. شوخی می‌کنند. بقیه در صفحه ۴

مشخصه‌ای که لنین برای مرحله انحصاری سرمایه‌داری قائل بود به تحلیل معیارهای اقتصاد آن محدود نمی‌شود. این مشخصه تعیین مقام امپریالیسم در تاریخ، یعنی تعیین مقام آن در عصر سرمایه‌داری در مجامع آن و رابطه آن با انقلاب سوسیالیستی را نیز در بر

# بافالتهای سندیکایی زحمتکشان جهان آشناشویم

## طبقات و مبارزات طبقات در کشورهای که به استقلال نائل آمده اند یاد در راه کسب آن مبارزه میکنند

ساختار طبقاتی این کشورها با ساختار طبقاتی کشورهای پیشرفته سرمایه داری تفاوت فاحش دارد. در کشورهای مورد بحث بقایای متعدد فئودالی و حتی در موارد معینی بقایای مناسبات برده داری و همچنین اختلاطی از روابط تولید ماقبل سرمایه داری و سرمایه داری وجود دارد. از سوی دیگر این کشورها از حیث ترکیب اهمیت عددی و نقش طبقات اجتماعی شان با یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه ای دارند. مثلاً اکثر کشورهای آمریکای لاتین طبقه کارگر و طبقه بورژوازی با نسبه پیشرفته ای دارند. در صورتی که در بسیاری کشورهای آفریقایی بورژوازی ملی و طبقه کارگر شکل بندی کاملاً تازه رویه رشدی روی برده هستند. در کشورهای آفریقایی شکل مالکیت همبند در کشاورزی فرمانرواست. کشورهای آسیای ساختار طبقاتی فوق العاده متنوعی دارند. مثلاً هند دارای بورژوازی بزرگ است. نپال بورژوازی بزرگندارد. کامبوج و لاوس پیش از آزادی فاقد آن بودند. در اکثریت این کشورها طبقه کارگر هنوز جوان و کم شمار است زیرا صنعت تازه شروع به رشد نمود است. البته طبقه کارگر از حیث کمی هر سال زیاد می شود. با وجود شرایط گوناگون سیاسی و اقتصادی هر یک از این کشورها می توان به برخی ویژگیهای عمومی خاص طبقه کارگر کشورهای تازه استقلال یافته اشاره نمود و آن را متعین ساخت. ۱- نسبت ضعیف طبقه کارگر در ساختار تولید. زیرا صنعت این کشورها هنوز کم رشد است. پروتلا ریای صنعتی در یک رشته از کشورهای آسیا و آفریقا تنها پس از جنگ دوم جهانی آغاز به شکل گرفتن نمود.

ندارند. نسبت دهقانان بدون زمین نسبت به کل جمعیت روستا دهند ۶۰٪، در ایران ۶۰٪، در عراق بیش از ۸۰٪، در لبنان نزدیک به ۷۰٪، در مراکش ۵۰٪ و در آرژانتین ۷۲٪ است. ضرورت اجاره گرفتن زمینها برای دهقانان زمالکان ارضی ناشی از همین وضع است.

در کشورهای آمریکای لاتین، دهقانان نه تنها بوسیله مالکات ارضی و بورژوازی خود، بلکه بوسیله انحصارات ایالات متحده و سایر کشورهای امپریالیستی نیز استثمار میشوند. ممالک کمپانی نیویارک قوت بیش از یک میلیون هکتار زمین در اختیار دارد که در آن به کشت موز، نیشکر و کائومی پرداخت می شود. یوغ فئودالی و نیمه فئودالی مالکان ارضی با یوغ استعمار انحصارات خارجی در می آمیزد. بنابراین، زمین برداشتن یوغ استعمار با محور بقایای فئودالی در روستا پیوند دارد. اتحاد طبقه کارگر و دهقانان به رهبری طبقه کارگر عامل بسیار مهمی برای تحقق دگرگونیهای ژرف انقلابی و تحکیم استقلال ملی کشورهای در راه رشد است. این اتحاد پایه جنبه وسیع ملی را در مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو تشکیل میدهد.

در عده ای از کشورهای آفریقایی زیر یوغ استعمار و نوع بورژوازی وجود دارد. بورژوازی ملی و بورژوازی هوادار امپریالیسم کامبراد وجود دارد.

شیوخ قبائل عرب، صاحبان مزارع بزرگ آمریکای لاتین، مالکان بزرگ واحد های بهره برداری و مالکان رهنمای بزرگ، زمینهای عده جدید چون ربا خواران، بازرگانان، کارمندان، زمینهای دهقانان از یاد درآمد را خریداری میکنند و غیره.

طبقه مالکان بزرگ ارضی به حفظ امتیازات خود سخت علاقمندند و بنا به قاعده کلی دشمن آشتی ناپذیر جنبش رهایی بخش ملی محسوب میشوند. این طبقه نیروی اصلی ارتجاع داخلی و استعمار را تشکیل میدهد.

انحصارات امپریالیستی به نظارت خود بر اقتصاد و منابع متعدد کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین که سودهای افسانه ای از آن بدست می آورند، اهمیت میدهند. آنها به شرمناکانه مورد اخلی کشورهای رهایی یافته مدخله کرد و به فعالیت های خرابکارانه علیه حکومتها و انقلابی و توطئه جینی بر ضد آنها در امن میزنند.

از این رو، مضمون اساسی مبارزه طبقات در کشورهای رهایی یافته مبارزه پیگیر نیروهای ترقیخواه علیه دشمن امپریالیستی و ارتجاع داخلی است.

طبقه کارگر منطقی ترین و مصممترین عنصر مبارزه علیه استعمار امپریالیستی برای آزادی و استقلال ملی است. تامین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش رهایی بخش ملی وسیله مطمئن در یافتن راه حل سریع برای همه هدفهای اساسی آن است.

در تعدادی از کشورهای طبقه کارگر ضعیف بوده و با وجود نداشتن نیروهای مکرانیک انقلابی که بیانگر منافع دهقانان، پیشه وران، خرد بورژوازی شهرها، روشنفکران میهنپرست و غیره اند در رأس جنبش رهایی بخش ملی قرار میگیرند.

مسئله شماره بیک کشورهای رهایی یافته انتخاب راه رشد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. طبقات و احزاب مختلف راه حل های متعدد برای رفع عقب ماندگی اقتصاد و فقر پیشنهاد میکنند. آنچه در این زمینه لازم به یاد آوری است، این است که زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه این کشورها بیش از پیش پیروزی کامل انقلابی رهایی بخش ملی را با راه رشد غیر سرمایه داری هم پیوند میدهند.

همانطور که تجربه بسیاری از کشورهای نشان داده وظیفه تاریخی گرداننده طبقه کارگر در این جنبشها مبارزه با امپریالیسم و تکیه کاهنهای سیاسی، اقتصاد، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک آن در داخل و گرد آوردن همه نیروهای انقلابی زیر یک پرچم برای تحقق شعارهای اقتصادی - اجتماعی بسود توده های خلق است.



۲- کارگران ساده و کم تخصص در پروتلا ریای صنعتی تسلط دارند. در کشورهای آسیای و آفریقایی تعداد آنان ۸۰ تا ۹۰٪ است. علت اساسی این تخصص نازل به سطح پائین آموزش مربوط می شود. (در این کشورها ۸۰ تا ۹۰٪ جمعیت بیسوادند). معمولاً در صنعت از کارزان و خرد سالان خیلی بیشتر از کشورهای پیشرفته سرمایه داری استفاده می کنند.

۳- بخش قابل ملاحظه ای از طبقه کارگر در موسسات کوچک و متوسط متمرکز یافته اند. این قطعه قطعه بودن در شکنندگی شعور طبقاتی، تجمع و مبارزه مشترک عموم کارگران علیه سرمایه اشرافی دارد.

۴- نسبت قابل ملاحظه کارگران کشاورزی.

دهقانان متحد طبقه کارگرند. آنها در کشورهای مورد بحث از حیث کمی تسلط دارند. اکثریت قاطع دهقانان در شرایط فوق العاده دشواری زندگی می کنند. در آسیا، آمریکا - لاتین و آفریقا سیستم قطعه ای بودن زمینها با شرایط اسارت آور اجاره داری آن در کشاورزی تسلط دارد. اکثریت دهقانان یا صاحب مقدار ناچیزی زمین اند یا اصولاً هیچ زمینی در اختیار

سلطه کشورهای امپریالیستی به منافع اقتصادی و سیاسی بورژوازی ملی آسیب میرساند. از این رو، این بورژوازی بطور عینی نسبت به رشد نیروهای مولده کشورهای بهره برداری از بازار ملی مستقل از مراکز سرمایه خود را ذینفع میداند. بنا به قاعده کلی این قشر از بورژوازی سرمایه ها پیش را در تولید ملی به کار می اندازد و تلاش میکند اقتصاد کشور را به نفع خود از وابستگی برهانند. اما غالباً بورژوازی ملی بنا به خصیلت تضاد طبقاتی اش راه سازش با امپریالیسم و فئودالیسم را پیش میگیرد. بر این اساس در شرایط مفروض سیاست این بورژوازی ممکن است مترقی یا ارتجاعی باشد. در برخی موارد بورژوازی ملی حتی در زمینه اتحاد مستقیم با امپریالیسم وارد عمل می شود و بدینسان به انقلاب خیانت میکند.

بورژوازی هوادار امپریالیسم کامبراد و ربه بخشی از بورژوازی گفته میشود که منافع اقتصادی و سیاسی اش با منافع انحصارات خارجی پیوند نزدیک دارد. این بورژوازی به عنوان دشمن غدار نیروهای میهنپرست ملی به حفظ امتیازات انحصارات سخت علاقمند است و نقش زائد ارمیسیستم امپریالیسم را بازی میکند. در اکثر کشورهای رهایی یافته، طبقه بسیار نیرومند دیگری از حیث اقتصادی وجود دارد که نفوذ سیاسی اش چشمگیر است. این طبقه از مالکان بزرگ ارضی تشکیل میشود. راجه های هندی،

نویسندگان قرقیزی نام "قهرمانان کار" بیرون آمد. در آن زمان همچنین مجموعه داستانهای از تاجلیبا ی ساد بیکف با نام "رقیبان" و "روزهای مبارزه" به قلم سگین ساسیکبای منتشر شدند.

همه اینها زمینه مساعدی برای باوروری در استانهای کوتاه در ده پنجاه و شصت بودند. در این دوره اوای جنگیز آیتما تف از میا نویسندگان جوان قرقیز برخاست. غنای مجموعه ای از استانهای چاپ شده اش در مسکود رسال ۱۹۵۸ توجه منقدان ادبی و کتاب خوانان بسیاری را به خود جلب نمود.

پیشرفت ادبیات قرقیزی مرهون اعتدالی سطح فرهنگ مردم بود. است ترجمه آثار ادبی به ویژه آشنایی با زبان روسی موجب شد که مردم از راه مطالعه ادبیات روسی وجهانی سطح فرهنگ خود را بالا ببرند.

در ده پنجاه، شمار روزافزونی از نویسندگان نوشتن به زبان قرقیزی را آغاز کردند. نونهایی پس از دیگری سر بر آوردند. اگرچه نوول در ادبیات ده شصت تحریک چندانی نداشت. در عوض داستانهای کوتاه هوبلند نقش پویایی در ادبیات قرقیزی ایفا کردند. در این دوره، داستان کوتاه به مایه های تازه ای دست یافت. تعابیل نویسندگان به داستان بلند - شاخه ای که به داستان کوتاه مچند آن نزدیک است که مرز بندی بین آنها را مشکل می سازد - بالا گرفت. داستان بلند گسترش یافت و از جانب خوانندگان به شدت استقبال شد. در رسال ۱۹۵۸ جنگیز آیتما تف رمان مشهورش "جمیله" را به پایان رساند که "قصه های از کوهها و استپها" جایزه لنین را برای نویسنده به ارمغان آورد.

### درباره داستان کوتاه قرقیزی

با یالینف بود که بمثابه نخستین کارمنشور واقعگرای ملی است. تأثیر داستان شفاهی قرقیزی را میتوان در نخستین نوول قرقیزی "خانی بک" کارکاظم علی یا نتوشف و در نثر تاجلیبا ی ساد بیکف دید. در دهه سی، نویسند هوشاعر علی توکمبایف به سبک افسانه ها، داستانهای کوتاه "چون" "دات"، "پاسخ خرد مند" و "آقای شکارچی" و داستان بلند "راز نو" را نوشت که آوازه های همگه بر یافتند. با پایان دهه سی، تأثیر ادبیات روسی بر کار خلاق داستان نویسان قرقیزی توجه بیشتری را برمی انگیزند. تأثیر استاد چون آنتون چخوف و ماکسیم گورکی که کارهایشان به زبان قرقیزی در آمده بود، آشکار گشت. باید خاطر نشان ساخت که داستانهای از نویسندگان پراوازه روسی، مانند: پوریس لا وریسیف، وزولود ایوانف و نیکلای تیخونف در دهه های بیست و سی، به آسیای میانه قرقیزستان - راه یافتند.

در دهه ۴۰، دیگر داستان کوتاه در ادبیات قرقیز جاگیر شده بود. موضوع های کار دیگر مردم مشرق شوری بکسان شد. تفاوت بین واقعیت نووگد شته پیش از انقلاب، شوق حاصل از پیشرفت ها در زندگی مردم، ساختن سوسیالیسم، مبارزه برای اجتماعی کردن و آزادی زنان مایه های هستند که در داستانهای نویسندگان کا زاخ ازبک، تاجیک و ترکمن بکار گرفته شده اند.

در سالهای جنگ، نویسندگان قرقیز، داستانهای کوتاه بسیار نوشتند که بیشتر آنها دارای سرشت مستند بودند. در ریای دهه ۴۰، نخستین کتاب، مجموعه داستانهای کوتاه و مقاله های

در ادبیات این زمان قرقیزی، داستان کوتاه، شاخه بسیار معروفی است. حتی آن دسته از نویسندگان همگه فرم های ادبی سطح بالا را برمی گزینند، در این شاخه قلم میزنند، نویسندگان جوان هم به سوی آن کشید می شوند، چرا که فرم پویای روایت و زبان تصویری آن برای بسیاری از نویسندگان بصورت مد رسه ادبی تخصصی درآمد است.

از معدود استان کوتاه به پیش از نیم قرن نمی گذرد و در حقیقت همگه با ادبیات قرقیزی است که در سال ۱۹۲۴ با بعرضه وجود گذشت. در این دوره قرقیزی ها زبان نوشتاری ملی شان را خلق کردند و آثار ادبی را به این زبان انتشار دادند.

ادبیات قرقیزی خلق الساعه بوجود نیامد. پیشاهنگان هنر داستان کوتاه از تجربه دیگر جمهوریها و بالاتر از همه، از تجربه ادبیات روسی و ادبیات شوروی و همچنین روایت ها و منابع فرهنگی مردم خود سود جستند. در آنجا گوناگونی بسیار گسترده ای از منابع موجود است که استفاده از آنها تنها پایان ناپذیر است.

داستان قرقیزی از زمان شکل بندی مایه ها، طرحها و تکنیکهای بخشهای گوناگون فرهنگ شفاهی مردم، مثل جن و پری، شعرهای حماسی و آوازه های غنائی مردم می، گفته ها و ضرب المثلهای بسیاری را مورد استفاده سرشار قرار داد. ما در رنبود یک زبان نوشتاری میان مردم در حال کوچ، قصه های شفاهی تکیه گاه اصلی آن را تشکیل میدادند.

تکیه روایت شفاهی، پایه نخستین داستانهای نوشتاری قرقیزی بود، که در دهه بیست پیدا شدند. از میان اینها، برجسته ترین و مهمتریشان داستان "تیمه باز" نوشته کارکاظم علی



هوشنگ پورکریم

# تحولات اجتماعی در جامعه روستایی ایران از آغاز تا کنون (۱۳)

## قسمت پنجم :

وضعیت زحمتکشان روستایی و جنبش های اجتماعی ایران در عهد حکومت خلفا

در آخرین سالهای عهد دولت ساسانی، ایران بیش از هر وقت دیگر آن عهد ناتوان شد. مبود جنگهای طولانی و فرساینده امپراتوری روم، رشد بلاوقته تضاد های اجتماعی مخصوصاً بین زحمت کشان روستایی و مالکان بزرگ ارضی، خودکامی حکام محلی و تعالیات آنان در جهت استقلال از حکومت مرکزی که طبیعتاً به ضعف آن منتهی می شد، اسراف و تبذیر درآمد های مملکتی در امور تشریفاتی بیبهره و کهنه سلطنتی و تجمل پرستی اعیان و اشراف، همه و همه موجب تباهی برای تضعیف و یا حتی سلب مقام و ربرابر حمله اعراب به باخاسته ای بود که با ایمان مذهبی نوینی تشجیع شده بودند و در عین حال نخستین پیروزی های جنگی هم موجب ترغیب آنان می شد. در حالیکه زاین سوی چیزی برای تشجیع و ترغیب نبود. حتی در اولین جنگ مهم ایران با اعراب، یعنی جنگ قادسیه ( محلی در حوالی " فرات " )، با وجود یکسپاه ایران از لحاظ تجهیزات جنگی و تعداد نفرات برتری داشتند و به قول " بلاذری " صد و بیست هزار در مقابل نه تا ده هزار عرب بودند ( ۱ )، فرمانده ارتش ایران مایوس به نظر می رسید. سرانجام، پس از قتل او، لشکریان ایران تا روم رشد نمود ( سال ۱۶ هجری ) و عواقبی به بار آمد که مقدم بر همه تسخیر پایتخت ساسانیان بود :

"... فرا لشکریان ایران، راه پایتخت ساسانیان یعنی تیسفون را که اعراب مد این می نامیدند، به روی ایشان گشود ."

اعراب در تیسفون غنایم فراوان بدست آوردند که عبارت بود از مقدار یزیاد از ظروف طلا و نقره منقوش به صورت انسان و حیوان، سنگ های قیمتی، پارچه های بریشمی، زربفت، قالبهای زیبا، بردگان بسیار از زن و مرد، اسلحه و اموال فراوان دیگر. شهر تیسفون ویران شد، سوخته شد، غارت شد و خلوت شد و دیگر رهبر عهده ای احیاء نگشت. بخشی از ساکنان شهر که نتوانستند فرار کنند کشته شدند و بخشی به اسیری و بردگی برداشته شدند ( ۲ ) .

چنین سرنوشتی در انتظار نقاط دیگر ایران نیز بود. چنان که چند سال بعد، پیروزی شایان دیگری در " نهاوند " نصیب اعراب شد و " یزدگرد سوم " آخرین پادشاه ساسانی، که در " نهاوند " امید مقام داشت، همراه افراد خانواده و منسوبان در ریاری خود از آنجا متواری شد و سرگردان از ایالتی به ایالتی دیگر می رفت تا بلکه از جناح حاکمه ایران مدد یی برسد و و یارد یگراقتد از اردست رفته، د ولتش را بازیابد. ولی اکنون دیگر ایران به ایالات متلاشی شده ای تبدیل شده بود که حکام ایرانی آنها یکی پس از دیگری تسلیم می شدند و کشور به تصرف اعراب در می آمد.

مورخان قرون اولیه اسلامی، نظیر " بلاذری "، " طبری " و غیره که فتوحات اعراب را از جمله در ایران توصیف کرده اند، حکام محلی هر یک از ایالات ایران و اشراف و مالکان بزرگ را در اکثر موارد به نام " دهقان " ذکر کرده اند که معمولاً اسلام می آوردند و به بزرگان و سرداران فاتح عرب می گرویدند. آنان، ضمن تعهد به پرداخت خراج ناحیه خود، در جستجوی جانی در رهبات حاکمه جدید بودند. فاتحان عرب نیز همکار اشراف و مالکان بزرگ ایرانی را برای خود مغنم می شمردند. " بلاذری " در تعقیب حوادث مربوط به فتح " مداین " و حوالی آن می نویسد :

"... جمیل بن زبیر، دهقان فلایج و نهرین، و یسطم بن نرسی، دهقان بابل و خطنیه، و رفیل دهقان عال، و فیروز دهقان نهرالملک، و کوثی و گروهی دیگر از دهقانان اسلام آوردند. عمر بن خطاب نیز معانعتی نکرد و زمین های ایشان را نگرفت و با رجزیه از گردنشان برداشت" ( ۳ ) .

به این نحو، در اکثر مناطق ایران، حکام و دهقانان زمیندار، غیر از عده قلیلی، ترجیح می دادند که ناحیه خود را در مقابل فاتحانی که از راه رسیدند تسلیم کنند، به شرطی که ارضی آنان را

به ایشان واگذارند. در آن موارد قلیلی هم که از آنان پایداری رخ می داد، به علت آن که از بقیه نواحی کمکی به ایشان نمی رسید، یا از پایداری می آمدند و یا ناچار به قبول شرایط تحمیلی صلح می شدند. از محتوای متون تاریخی پیداست که اعراب، پس از فتح نهاوند، پیشرفت خود در ایران، با لشکر منسجم و سازمان یافته ای برخورد نکردند. چه بسا در یک ایالت نیز همه امکانات جنگی آن در مقابل اعراب با اعراب بسیج نمی شد. یعنی تفرقه و پراکندگی به حدی بود که حتی در یک ایالت هم تمرکز قوا به وجود نمی آمد. در نتیجه، هر شهر و هر دهی از هر ایالت، بدو آن که از کم شهرها و دهات دیگر آن ایالت برخوردار شود، یکی یکی به وسیله اعراب تصرف می شدند. " بلاذری " در خصوص فتح سیستان که پس از فتح فارس و کرمان به دست سرداری عرب به نام " ربیع " اتفاق افتاد می نویسد :

"... میان زالیق و سیستان پنج فرسنگ راه است و زالیق خود دوی است. ربیع در روز مهترگان بر آن دژ هجوم آورد و دهقان آنرا اسیر کرد. دهقان جان خود را در مقابل بزرگی آنگد از زور و سیم باز خرید. سپس صلح کردند و ربیع عهد کرد که خون او نریزد. پس از آن ربیع به یهی به نام کرکویه که در پنج میلی زالیق واقع است برفت. مردم آن جای با وی صلح کردند و جنگی نکردند. سپس به روستائی به نام هیسون شد. اهل آن طعمای ( از برای مسلمانان ) مهیا کردند و بی جنگ و پیکار صلح نمودند. آنگاه ربیع به زالیق بازگشت و چند تن را هنما برگرفت و روانه زرنگ شد. و به زوشت که فاصله آن از زرنگ د و ثلث میل است رسید. اهل زوشت برون شدند و با وی جنگی سخت نکردند و گروهی از مسلمین را به هلاکت رساندند. اما سپاهیان اسلام هجوم آوردند و شکست در لشکر آنان افکندند و خلقی عظیم بگشتند و ربیع از آن جای به نا شروذ که د یهی است بیامد، با مردمان آن تبرد کرد و چیره شد. از نا شروذ به شروذ که تیره ایست برفت و آن را بگشود. در آنجا جد ابراهیم بن یسارم سیر شد و بهای بوعمر لیثی تعلق یافت ."

ربیع پس از جنگی با اهل زرنگ، شهر را محاصره کرد. مرزبان آن پرویز کس فرستاد و زمینها را خواست تا صلح کنند. ربیع فرمان داد بیکریکی از کشتگان را آوردند و نزد یک وی نهادند. خود بر آن بیکر نشست. مرزبان چون او را دید بیعناک شد. وی را هزار برد، و با هر برد ده جامی زرین بداد و صلح کرد و ربیع به شهر آمد. سپس از زرنگ به شهر آمد. از آن رهگذشت و به قریه رسید. اهل آن به جنگ ربیع شدند لکن او پیروز گردید. آنگاه به زرنگ باز آمد و مدت اما ربیع د و سال و نیم بود. وی را پس مدت چهل هزار تن برد گرفت. امرکتا بت او تیریه عهد ه حسن بصری بود ( ۴ ) .

با این عبارات که در حد و فقط د و بیست و پنجاه سال پس از فتح ایران نوشته شده، مواز قدیم ترین منابع معتبر در این خصوص است، به آسانی میتوان به وضعیت د شوار جوامع روستائی ایران در حین فتح یی برد، زیرا این جوامع در واقع عمدترین منبع تامین کننده غنایم جنگی و هدایای تضمین کننده صلح بودند. در بین این غنایم و هدایا، بعد از زور و سیم، برد همیشه مهمه مطلوب اغلب سرداران و خلفای عرب بود. در آن وقت از برد ها به سه نحو بهره گیری می شد: یکی در امور خان و حرم سرا، به صورت کنیز و غلام، د و م برای نگهداری و رزم و کارزار، و سرانجام در فعالیت های تولیدی نظیر دام پروری، زراعت، پیشه وری و این قبیل امور. در متون تاریخی، برای هر سه مورد استفاده از زار بردگان شواهدی وجود دارد که علاقه اکثریت

امرا و خلفای عرب را به برد گرفتن مسلج می کند. " پتروشفسکی "، به منظور نشان دادن بهره کشی " معاویه " از کاراسرای جنگی که به بردگی برد می شدند، با استناد به منابع تاریخی می نویسد :

"خلیفه معاویه، تنها در حجاز د زمین های خود چهار هزار برد ( اسیر ) را استخرا می کرد و از کار آنان هر سال صد و پنجاه هزار رسد خرما و صد هزار کیسه غله درآمد داشت. در مملکت بزرگ معاویه در زمین نیز چهار هزار برد ه اسیرجان می کندند. در نظر نخست، این واقعیتها مایه شگفتی هستند: چگونه این کار در عربستان یا واحدهای کوچک ناد ر ش امکان داشته است؟ اما " آ. لامنس " ثابت کرده است که معاویه در حجاز کارهای بزرگی برای آبیاری کرد و زمینهای " موات " را احیاء کرد. به د است طبیعی است در عربستان که زمینهای اقطاع نشانی بود و نه از صوفی ( زمینهای خاص خلیفه ) با دهقانان وابسته شان اثری، معاویه از کار بردگان بهره می گرفته، در حالی که همین معاویه در سوریه و عراق با استعمار کشاورزان کمیگاری می دادند، از زمینهای صوفی خود ش بهره می برد. معاویه برای ساختن نهایی تازمه خویش در مکه و مدینه، از بنا کاران ایرانی ( بردگان اسیر ) کار می کشید ( ۵ ) ."

ولی در عین حال، گذشته از برد، غنایم دیگر اعم از احشام و بریشم و منسوجات نیز به جنگ می آمد. چنان که " بلاذری " در رواقعه فتح ماوراالنهر، که در زمان خلافت عثمان و به دست سرداری به نام " ابن عامر " اتفاق افتاد می نویسد :

"... اهل آن جای ( ماوراالنهر ) نزد وی آمد و بیعنا صلح بستند و ابن عامر کس فرستاد که وجه صلح را بستاند. چون آن برسید همه چاربا بود و کنیز و غلام و بریشم و لباس، پس ابن عامر به ز سپاس خدای احرام پوشید ( ۶ ) ."

این غنایم، گذشته از آن بخشی که به سرداران و سربازان تعلق می گرفت، به مرکز خلافت ارسال می شد تا به مصرف اشراف و اعیان و شیوخ عرب و مخارج دولت نوبت یادی برسد که بعد امپراتوری بنی امیه و بنی عباس از آن سربازان فرستادند. غنایم جنگی و هدایای ناشی از صلح، به علت آنکه منظم و از لحاظ د و اموال مستعمران تضمین شده نبود، نمی توانست رضایت کامل این دولت را فراهم آورد. چاره کار در این بود که مرای عرب نیز همان شیوه باج و خراج ستانی آمد و تجربه شد ه ای را که از عهد دولت ساسانی در ایران باقی ماند به یاری بگیرند .

ادامه دارد

### یادداشت ها :

- ۱- احمد بن یحیی البلاذری : " فتوح البلدان "، بخش مربوط به ایران، ترجمه د کتر آذرتاش آذرتاش انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۵۵
- ۲- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، از انتشارات پیام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۳، صفحات ۱۵۴ و ۱۵۵
- ۳- بلاذری : همان منبع، صفحه ۶۶
- ۴- بلاذری : همان منبع، تلخیص صفحات ۲۶۹ تا ۲۷۱
- ۵- ای. پ. پتروشفسکی، ی. آ. بلیناف : " سه مقاله درباره بردگی "، ترجمه سیروس ایزدی، از انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۶، صفحات ۲۹ و ۳۰
- ۶- بلاذری : همان منبع، صفحه ۲۹۱



### بقیه: گواهی چشم و گوش

د رخیابان مدخل ساختمان فرماندهی هنگ قدمی زخم برکناره چاله های آب باران، گنجشک ها جست و خیز می کنند و همین که نزدیک می شوم، یکباره برمی کشند. پیکر عبوس تانک، خاموش و بی حرکت، برسکوی خود مانند است. آن بالا، آهسته و بی خیال، سربازی مسلسل تانک را گردگیری می کند. همجا آرام است. نه آژیری نه فریادی، نه سراسیمگی و شتابی، و نه شلیک تیری... و اینجا پکتیا است، استان "آشوب زده"، د رمزبایکستان!

چاشت می خوریم و با زیاد ودلی به محوطه هنگ می آئیم. نگاه ها خود به خود، به آسمان می رود. باد گویی ابرها را می راند. پهنه لا جور در گسترده ترمی شود. ماشین ها سر می رسند. مژده رفتنی هستیم!

هشت و پنجاه هشت دقیقه، پرواز از خوست. ویک بار دیگر، چشم انداز پر شکوه ره ها و کوه ها، و در تنهایی تیز و نا هموار سنگ راه رگه های برف، لکه های سبز گیاه.

نه و چهل دقیقه، فرودگاه کابل، گسترده خاکی رنگ در تپش خیره کننده آفتاب. و در حاشیه پهنه و آن، گل های هوا پیما و هلیکوپتر و کامیون های سرباز بر. مرغزارها به شیر آراسته است. . . . در اقامتگاه، تاریخی بترا شوم و حجام کنم و اما د شوم، ساعتی می گذرد. بر نامه نشردهای در پیش است. مهمانند ارجوان ما می آید و ما را به بازدید کارخانه نان کابل می برد که سالها پیش به دست مهندسان شوروی ساخته شد است.

د بیرسید ما به آن دستا زد و استان که دیروز به مزار شریف د رشمال کشور رفته سر شرب برگشته اند، امروز فرصت داشته اند که زود تر بیایند و بخش های مختلف کارخانه را ببینند.

به جمع می پیوندیم. بوی نان تازه بخت در هوا موج می زند. رئیس ازراق عمومی، مردی میان نه بالا و تنومند، کاسکت سفید رنگی کج بر سر نهاده و تا ابروان پایین کشیده، تند تند می گوید و پاسخ می دهد و مترجم به انگلیسی بر می گرداند.

سیصد هزار تن گندم، یکد هم محصول کشور، هر ساله در این کارخانه تبدیل به انواع نان می شود. د ده رصد کارگران زن هستند و مزدی برابر مردان می گیرند. کلاسهای سواد آموزی در کارخانه و پیشرفت دارد.



د رتالا را اتحادیه کارگران کارخانه نان "کارخانه نان زیر نظر اداره ازراق عمومی کار می کند که نان و جای وقتد کشور را در دست دارد. برای کارمندان دولت، کشوری و لشگری، هرد و ما تاکنون سیصد هزار کوپن تقسیم کرد ما به، و اگر هر خانواد ه ه هفت تن بگیریم، نزدیک به د میلیون از جمعیت کشور زیر پوشش مستقیم این اداره اند. این کار در تثبیت قیمت خواربار را تأثیر بسزائی دارد."

ما را به اجتماع کارگران در محل اتحادیه، که ساختمانش د ویست قدمی با کارخانه فاصله دارد، دعوت می کنند.

تالاری بزرگ و پهن و با ستونهای کلفت چارگوش، دیوارهای سفید و پنجره های بلند. میزهایی در دوردیف چید موظرفه های پراز کلوچه محصول کارخانه و شیشه های کوکا و کانداد رای بر آن نهاد اند. می نشینیم، و هنوز ظن این بوه کف زد نهاد رتالار پیچیده است. سربازوما مورحزی مسلح جا به جا در میان کارگران دیده می شوند. حضور انقلاب و نبرد انقلابی. برد یوار رصد تالار، چند پوستر، و درکنجی، تخته سیاهی که بر آن با گچ نوشته است:

زغم بر نمی گردم منم مفتون آزادی وطن لیلیان می باشد منم مجنون آزادی پس از ده دقیقه ای که به پذیرایی خوشامد از سوی میزبانان می گذرد، نماینده اتیوپی، بلند بالا و باریک، و در تیرگی چهره سخت گشاده و رو وضعی، بر می خیزد و در باره همبستگی نیروهای د موکراتیک جهان با افغانستان انقلابی سخنانی می گوید. از دستان عرب مانیز، یکی دوتن در همین زمینه سخنرانی می کنند. آنگاه رئیس ازراق عمومی پاسخی گرم و زنده می دهد و در ضمن می گوید:

"کارگران افغانستان اکنون باد یگز جمع کشان و میهن دستان تکیه گاه اصلی حکومت خلق اند و جانانه از آن دفاع می کنند. د راعتصای که ماه گذشته ضد انقلاب از پاکستان اعلام کرد و رادیوهای آمریکا و چین و همسایه غربی چندین روز و شب تبلیغ کردند، شورشیان، با اعتقاد بر آن که روز جمعه کارخانه تعطیل است، خواستند دستبرد یها اینجا بزنند و باد رد ست گرفتن نان پایتخت مردم را در فشار ریگدازند. ولی هشیاری و پایداری کارگران، که برای دفاع بسیج شد، نبودند، امید پلید شان را بر باد داد."



د رکارخانه نان کابل

بازدید پئی تکنیک کابل در پیش است. باید برویم. دست های به گرمی از هر سو فشرده می شود. سخنانی در دست می و همبستگی بر زبانها می گذرد.



د رپایان اجتماع جوانان د ریلی تکنیک کابل

د رآفتاب ظهر، از خیابان های تفته می گذریم. و اینک پلی تکنیک، ساختمانی بزرگ و گسترده، روشن، که آن نیز هدیسه سالها پیش د ولت شوروی است به افغانستان، با همه تجهیزات و کتابخانه و کاد آموزشی آن. اینجا هزار و هشتصد دانشجو د رشته های مهندسی تحصیل می کنند که از آن میان پنج درصد دخترند.

شتابان از آزمایشگاه های مختلف می گذریم. اما، د ر طبقه بالا، موزه بسیار غنی سنگهای معدنی کشش د یگری دارد. در برابر هر قفسه رنگ می کنیم: بلورهای کانی، سنگ آهن، مس، زغال سنگ، انواع مرمر، مالاکیت، لا جور، یاقوت، زبرجد، زمرد کبود. . . .

سازمان د مکر اتیک جوانان افغانستان د سر سرای پلی تکنیک اجتماعی ترتیب داد است. بالا ی صقه بیرونی و در سوی پلکان ورودی، جوانان د دانشجویان ایستاد اند و با کف زد ن از ما پذیرائی می کنند. به د رون می رویم. د سر سرای پهن و، چند ردیف میز چید اند. از جبهه شیشه ای ساختمان، روشنائی تا زوایای سر سرای نفوذ می کند و رنگ مهربانی و آشنایی به چهره ها می دهد: می نشینیم، مهمانان و جوانان میزبان. د بیرسازمان جوانی کوتاه، با چهره تکیده و تا رهای سفید د خرمن موه های سیاه سخنرانی آغاز می کند. لهجه د ری شیرینی دارد، کمی نك زیبایی، از مبارزه جوانان د مرحله تدارك انقلاب ثور، و بویژه از نقش بسیار مؤثرشان د بربراند آختن د یکتا توری امین، می گوید. د رپایان هم، وظایفی را که جلسه اخیر فعالان و مسئولان سازمان اعلام داشته است بر می شمارد: آموزش تئوری انقلابی، دفاع از انقلاب تا نابودی دشمنان، پرورش نسل جوان با روحیه همبستگی بین المللی، شرکت وسیع جوانان د ساختمان جامعه.

و اکنون نوبت نایب رئیس سازمان همبستگی ملت های آفریقا و آسیا است که سخن بگوید. پس از او هم نمایندگان فلسطین، یمن د موکراتیک، جمهوری د موکراتیک آلمان و جوانی سیاه پوست از آمریکا که ریاست جنبش ضد امپریالیستی د همبستگی با جنبش های رهایی بخش آفریقایان را برعهده دارد، د برابر بلند گوی ایستند. از آن میان، دوست آلمانی مؤد می دهد که جمهوری د موکراتیک آلمان چا پخانه بزرگی به افغانستان هدیه کرده است که تا سه ماه د یگرد رکابل آماده کار خواهد بود و خواهد توانست د ره رساعت چهل هزار نسخه روزنامه شانزده صفحه ای چاپ کند. و، د رپایان گفتار خود با قدرت ایمان می افزاید:

جهان صلح و د موکراسی و سوسیالیسم نقد ز نیرو د ارد که

د ستاورد انقلابی خلق ها را از حملات امپریالیسم حفظ کند. جلسده رطنین کف زدنها و هلهله جوانان بیایان می پذیرد. به اقامتگاه خود بر می گردیم. فرصت کوتاهی برای نهار هبست غنیمت می شماریم.

چهار بعد از ظهر، بازدید از کود کستان "شیرپور". اینجا ششصد کودک، از سه ماهه تا هفت ساله، نگهداری و تربیت می شوند. به اطفاها و خوابگاه ها که کودکان پس از نهار ساعتی در آن می خوابند سر می کشیم. آموزگاران و خانم مدیر کود کستان را هنمایی مان می کنند. و با زیچه ها، نقاشی ها، و کارهای دستی کود کان را به ما نشان می دهند. همه چیز پاکیزه و مرتب می نماید. د ره راطاق، عکس های ماد ران، و گاه نیز یکی د عکس از سدران کود کان بر صفحه ای نصب شده به دیوار آویخته است. د زیر آن فهرستی از نامهای پرسود ختر هست که برای من سخت آشنا است. و از برادر ری د ولت ایران و افغان حکایت می کند. هر مزه فرهنگ، مهربان د آذر، مبین دخت، نوشین. . . .

د رکابل هفده کود کستان هست و کود کان، پس از پایان آن، به سال اول د بستان می روند. میزان حقوق کارکنان به نسبت ایران بسیار کم است. خانم مدیر کود کستان، با پانزده سال سابقه خدمت سه هزار و پانصد افغانی د رما می گیرد که معادل پانصد تومان ماست.

چهار روز بعد از ظهر د مسجد شیرپور با روحانیان کابل ملاقات داریم.



د رئیس جمعیت علمای افغانستان هنگام سخنرانی د مسجد شیرپور

مسجدی تازه ساز، از آجر و سنگ. شبستانی وسیع. زیلوهایی تازه شسته، با نقش چهارخانه بزرگ، بر کف شبستان. اما د رصد پیرامون محراب بلند مرمرین که کتیبه ای از آیات قرآن دارد، قالی هایی گسترده و تشکهایی برای مهمانان چید ما است. آقایان علماد ر ضلع دیگر، و همچنین روبروی محراب، نیم حلقه موازن شده اند. کفش ها را د رمدخل شبستان د رمی آوریم. سلام علیکم. سلام علیکم.

برتشک ها جا می گیریم و یک چند از این سو و آن سو سرفرود می آوریم. منتظریم. رئیس جمعیت علمای افغانستان به پای می خیزد. مردی است بلند بالا و تنومند، با رفتاری بسیار ساده، آمیزه ای از شرم و وقار. عمامه و پیراهن بلند و شلوار افغانی اش همه سفید است، مانند برف، و تنه ای که جلیقه سیاه روی پیراهن پوشیده است. ریش تئکی حاشیه رخسارش را می پوشاند، اما پشت لب بی مو است. پس از تلاوت آیات قرآن و اشاره به حدیث نبوی از برادر ری و برابربری بنا بشرو لثوم شفقت و یاری شان به یکدیگر و نهنی از ستمکار سخن می گوید. آنگاه سید محمد علی شاه توکلی، شیعه و نایب رئیس جمعیت علمای بر می خیزد و سخن از وحدت مسلمانان به میان می آورد. پس از آن، چند تن از مهمانان د ر زمینه همبستگی ملت ها و پیشینیان از جنبش های رهایی از ستم استعمارن سوو استعمار سخنانی می گویند و ملاقات به پایان می رسد.

ساعت پنج و نیم است. به مرکز سازمان د موکراتیک زنان افغانستان می رویم. تالار کوچک، آراسته به گل و گلدان چینی و چند تکه کازرسوزن د وز پراز زبان افغانی است و هنوز گروهی د مد رایستاد اند. هوا گرم است. لیوانهای نوشابه و یخ د ر گردش است و از عهد ه گرم و تشنگی بر نمی آید. خانم ثریا، رئیس سازمان، خوشامد می گوید و بیاید آوری کوتاهی از گذشته، می افزاید که سازمان د موکراتیک زنان افغانستان پانزده سال پیش به همت د کتر آنا هیتا راتب زاد تأسیس شد و د ر این مدت د ر همه مبارزات مردم افغانستان شرکت داشت. افراد سازمان د رجریان انقلاب هفتم د ر پیشت و د ر قیام ششم دی برای سرنگون ساختن حفیظ الله امین، بویژه د ر برقراری ارتباط، رساندن دستورها، فرار دادن کسانی که تحت پیگرد بود ماند و نگهداری از فعالان حزبی خدمات بسیار ارزنده ای بقیه د صفحه مقابل

### کارگران خارجی در سیستم

در ایالات متحد که دولت آن بیشرمانه در مورد اخلی کشو های دیگر مدخله میکند و کارزار تبلیغاتی برای دفاع از حقوق بشر به راه می اندازد - زحمتکشان مهاجر آمریکا لاتین و آسیا در شرایط بدتر از شرایط سیاهان آمریکا، شهروندان منطقه "دوم" به سر می برند. مجله "شپگل می نویسد": اکنون در آمریکا فقط از "دو جامعه فنا برابری وجود از یکدیگر" صحبت می شود: جامعه سفیدان و جامعه سیاهان. اما در اواسط دهه هشتاد شاهد تکوین جامعه سوم خواهیم بود، شامل اقلیتی بسیار پر شمار که بیسوی محرومتر و کم آگاه تر از دو جامعه نخستین و دراز مدت سیاسی اند. شرایط این اقلیت بدتر از همه است. مد رسه های پسر وضع بسیار بدی دارد. و کثیف ترین کار را انجام میدهد و حقوقی کمتر از سیاهان دارد."

سپس مجله به شهروندان آمریکا لاتین مقيم ایالات متحده اشاره میکند که با سرخپوستان يك اقلیت ملی را تشکیل میدهند که تحت تبعیض فراوانند. حتی طبق تیپ شناسی که توسط جامعه شناسان بورژوازی آمریکا انجام گرفته و مورد عمل آنهاست. زحمتکشان مهاجر به "طبقه پست" جامعه مربوط میشوند. اگرچه قانون مهاجرت آمریکا ظاهراً مکرانیک است، لکن سیاست واقعی در حق کارگران خارجی کاملاً چیز دیگری بود و خواهد بود. مثلاً شرایط کار کارگران کشاورزی مکزیک که در ایالات متحد کار میکنند، در قانون خاصی مناسبت توصیف شده، اما عملاً مزدشان چهار برابر کمتر از کارگران آمریکائی است.

کارفرمایانی که به استثناء مهاجرین میبردند، معمولاً در زمینه های حفاظت فنی، حمایت کار، تأمین اجتماعی و هزینه های تربیت حرفه ای کارگران صرفه جویی میکنند. از این رو، تعداد حوادث کار، بیماری های حرفه ای بین کارگران مهاجر بطور محسوس زیاد تر از کارگران محلی است. علاوه بر این، دولت ها و کارفرمایان از اجرای موافقتنامه ها و قرار داد های منعقد بین کشورهای وارد کنند و کشورهای صادر کنند، نیروی کار را که اجرای مقررات مساوی را در تأمین اجتماعی برای زحمتکشان مهاجر و خانواد ه هاییشان و همچنین اعطای نعمات و خدمات اجتماعی دیگر را به این افراد تکلیف میکند، طفره میروند.

در مسئله مدد معاشی خانوادگی و بیکاری برای کارگران مهاجر قید و شرطهای ویژه ای وجود دارد. در فرانسه مدد معاشی خانوادگی برای پرتغالیه ها پنج بار و برای اسپانیائی ها دو و نیم بار کمتر از فرانسوی ها است. در سوئیس و برخی کشورهای دیگر کارگران خارجی حق دریافت مدد معاشی را ندارند. در آمریکا کارگران در برخی کشورها، مانند جمهوری فد رال آلمان این حق برای کارگران

وجود دارد. قانون مورد عمل اقامت کارگران را پس از بیکار شدن در مدت معینی منع میکند. در فرانسه، کارگران مهاجر باید ثابت کنند که "به تقصیر خود بیکار نشده اند".

این نکته لا زم به یاد آوری است که در همه کشورهای مهاجر پذیر، کارگران مهاجر سهم خود را مرتب به صند و قهای تأمین اجتماعی می پردازند و در عوض مبالغ دریافتی شان بابت اعانات خیلی کمتر از جوه پرداختی است. مثلاً در جمهوری فد رال آلمان در ۱۹۷۱، پرداختهای کارگران مهاجر ۱۷٪ درآمدهای بودجه تأمین اجتماعی بود. در ۱۹۷۰-۱۹۷۲ این کارگران بابت مالیات پردآمد بیش از ۲ میلیارد مارک به بودجه فد رال و محلوسی پرداخت کردند. در سالهای مورد اشاره اعاناتی که در آلمان فد رال بابت تأمین اجتماعی، برآوردن نیازهای فرهنگی، آموزش حرفه ای به کارگران خارجی پرداخت شد، ۲۵ میلیون مارک یعنی دودصد مبلغ مذکور است. در فرانسه نیز مجموع سهام بیمه های پرداختی مهاجرین يك میلیاردر فرانك از مبلغ دریافتی اعانات مختلف بیشتر بود. است.

توصیه های ویژه قضائی (که در کشورهای جامعه اقتصاد ای اروپا وجود دارد) در مورد شرایط زندگی کارگران مهاجر بطور منظم در عمل ندیده گرفته میشود. کارگران خارجی و خانواد ه هاییشان معمولاً در خانه های متعفن و آلوده در شرایط مغشوش و در هم ریخته زندگی میکنند. مالکان خانه ها (که غالباً خود مو سسات هستند) اجاره های سرشاری از این مستأجران ستعدیده در ریافت میدارند. طبق آمارگیری های بیشتر کارگران مهاجر اروپای غربی و آمریکای شمالی در مرحله های پست زندگی میکنند. تنها در ریاس صد ها هزار مهاجر در ۱۱ اقلی آباد زندگی میکنند. عدد زیادی از آنها از انواع مختلف بیماری، مخصوصاً بیماری سل رنج میبرند. در ایالات متحد ه میلیونها کارگر مهاجر مخصوصاً مهاجرین آمریکای لاتین در خانه های محقر شهرهای بزرگ نیویورک، شیکاگو، لسوس آنجلس روی هم نباشته اند و در شرایط فقر سیاه، پریشانی، نبودن ابتدائی ترین وسائل بهداشتی و رفاه زندگی میکنند. مهاجرین آسیائی نیز در همین محله های پست مسکن دارند. مثلاً در منطقه "چینی های سانفرانسیسکو" جمعیت درباری بیشتر از شاخسار متوسط شهری است. اجاره خانه در آنجا ۲۵٪ بیشتر از اجاره وسط شهر است و سطح بیماری سل بالاتر از تمام کشور است.

اعضای خانواد ه های مهاجر نیز قربانی تبعیض و استعمارند. در کشورهای جامعه اقتصاد ای اروپا، علیرغم مقررات قانونی و اداری عریض و طویل در باره تأمین کودکان و پرورش و اداری اعضای خانواد ه مهاجر از حق آموزش و تربیت حرفه ای عملاً از حقوق مذکور برای خانواد ه مهاجرین خبری نیست. طبق برآورد انجمن فد رالی اتحادیه کارفرمایان در جمهوری فد رال آلمان بیش از ۵۰۰ هزار کودک کارگر خارجی بجای تحصیل

کار میکنند. دولت فد رال در تنظیم بودجه تأمین اجتماعی، تعلیم و تربیت و غیره این کودکان را به حساب نمی آورد. در آغاز دهه ۷۰ مقامات دولتی از ۶۰۰ هزار کودک مهاجر خارجی مقیم جمهوری فد رال آلمان، فقط ۹۰ هزار تن از آنها را برای آموزش در نظر گرفتند. در برخی ایالات جمهوری فد رال آلمان قانون آموزش اجباری برای کودکان مهاجر وجود ندارد. در اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری وضع مشابهی حاکم است. بنا بر این در کشورهای که در روزه های خود را به روی توده عظیم نیروی کار خارجی می گشایند، استثناء را کودک ن فزونی میباید.

در اکثر کشورهای سرمایه داری که بطور وسیع به نیروی کار خارجی متوسل میشوند، مهاجرین "غیرقانونی" از همه حقوق محرومند. میانیم که در خارج از شکل های قانونی برای پذیرش نیز کار مهاجر، مو سساتی وجود دارند که کارگران خارجی را به اشکال غیرقانونی (به عنوان توریست های دارای پاسپورت جعلی یا حتی بدون هیچ پاسپورت) وارد کشور میسازند. شرکتها مذکور همبها هزار کارگر خارجی را که قاچاق از مرزهای کشورهای اروپای باختری ایالات متحد ه گذشته اند، جلب میکنند. این نوع کارگران خارجی به علت نداشتن مدارک لازم، نداشتن زبان و بی اطلاعی از قوانین و رسوم کشورهای محل اقامت و ترس از اخراج توسط پلیس، ناچارند برای یافتن کارتن به هر شرایط بدهند. شرکتها مذکور این قبیل کارگران را به انحصارات "اجاره میدهند و در ازای این خدمت بخشی از مزد شان را می بلعند. تصادفی نیست که سندیکا های پیشرو استعمار کارگران خارجی را "شکل جدید بردگی" تلقی کرده و پروفیسور سوئیسی هوفمان نووتنی آنرا "فئودالیسم جدید" توصیف کرده است.

شرایط زندگی مکزیکائی های که برای کارکردن قاچاق به ایالت های جنوبی ایالات متحد ه آمریکا می آیند، سخت دشوار است. بنا به اعتراف مارشال وزیر کار پیشین ایالات متحد ه: "چنانچه بخوایم میتوانیم کارگرانی را که در آنجا در آیدند و در آریه سکوت کنیم. اگر آنها از کار فرمای خود در پرداخت نامرتب و کمی دستمزد شکایتی داشته باشند یا از شرایط کار خود ناراضی باشند فقط میتوانند آن را به خدمات مهاجرت اعلام کنند. بنا بر این، کارگران مذکور در محیطی سرشار از ترس و اضطراب زندگی میکنند." (نیویورک تایمز ۲۵ آوریل ۱۹۷۷)

به گفته خبرنگاری یوبی، در مزارع ایالت آریزونا که به برادر سنا تورپاری گلد و تعلق دارد، کارگران مهاجر ناچارند از بام تا شام بخاطر مزد ناچیز جان بکنند. آنها در این مزارع مانند اردوگاه های اجباری زیر مراقبت شدید گارد های مسلح، در شرایط آلوده، محروم از هر نوع مراقبت پزشکی کار میکنند و شبها در زیر سقف آسمان روی صند و قهای چوبی که خود ساخته اند به خواب میروند. ادامه دارد

امکان خواهد داد که بین کشورهای صلح برقرار شود، در سطح تئوری کاملاً بوج است و در پراتیک چیزی جز دفاع از امپریالیسم نیست و موجب تضعیف شعور طبقاتی پرولتاریا می شود.

### انتقاد از تئوری های

### "امپریالیسم ناب" و

### "سرمایه داری سازمان یافته"

تئوری امپریالیسم ناب که بوخارین سعی داشت آنرا در برنام ه حزب کمونیست (بلشویک) روسیه وارد سازد، متغییری از اندیشه های کائوتسکیستی است. طبق این تئوری، انحصارات با حذف خصلت هرج و مرج و خود بخودی تولید کالائی و همچنین با ازمیان بردن تضاد های آشتی ناپذیر خاص آن بکلی سراسر اقتصاد اجتماعی را تغییر خواهند داد. لنین نشان داد که سرمایه داری انحصاری روینائی است که بر شالوده سرمایه داری قدیم بوجود آمده است. "امپریالیسم ناب هرگز وجود نداشته، هیچ جا وجود ندارد و هرگز در خارج از سرمایه داری وجود نخواهد داشت.

سپس تئوری امپریالیسم ناب به شکل تئوری سرمایه داری سازمان یافته اصلاح و پیشنهاد شد. این تئوری که توسط زی هیلفرد ینگ عنوان شد، بود، در رکنگره

انحصارات است، به فراموشی میسپارد و آن گاه از این تئوری سازی نتیجه میگیرد که امپریا

لیسم چیزی جز یک سیاست تعویض پذیر است. سیاست دیگر نیست. لنین می نویسد: "نکته اساسی این است که کائوتسکی سیاست امپریا لیسم را از اقتصاد آن جدا می کند، بدین معنا، که لاحق نمودن مناطق را سیاست برتر سرمایه مالی می داند و در برابر سیاست، سیاست دیگر بورژوازی را قرار می دهد که گویا همیشه بر اساس وجود سرمایه مالی چنین چیزی امکان پذیر است" (و لنین: آثار، ج ۲۲، صفحه ۲۹۱).

کائوتسکی با جد کردن سیاست امپریا لیسم از اقتصاد، در حقیقت با امپریالیسم کنار می آید، زیرا هم انطور که لنین خاطر نشان ساخت، اگر ما رزبه سیاست تجار و انحصارات پایه های سلطه اقتصاد را نلرزاند، حرف مفتی بیش نخواهد بود.

لنین تئوری فرمیستی دیگر کائوتسکی مافوق امپریالیسم را نیز مورد انتقاد قرار داد. از نظر کائوتسکی رشد سرمایه داری به در - آمیختن سرمایه های ملی و همه تر است ها در یک تراست منجر می شود. این امر موجب می شود مبارزه بین امپریالیستهای کشورهای مختلف پایان نیابد و مرحله "مافوق امپریالیسم" برقرار شود. لنین این تئوری را "توق بلاهت" نام داد و تصریح نمود که خود این اندیشه که وجود کارتل های بین المللی در امپریالیسم

### مقام امپریالیسم در

لنین یاد آور شد است که همه تضاد های شیوه تولید سرمایه داری در دوران امپریالیسم شدت فوق العاده ای می یابد. او در تحلیل خود به این نتیجه میرسد: "امپریالیسم مرحله تاریخی ویژه سرمایه داری است. این ویژگی به سه گروه مربوط میشود: امپریالیسم:

- ۱- سرمایه داری انحصاری است
- ۲- سرمایه داری انگلی یا گندیده است
- ۳- سرمایه داری محتضرات است."

### انتقاد لنین از تئوری

### امپریالیسم کائوتسکی

لنین در برررسی خود در باره مسایلی امپریالیسم نخست می بایست تئوری های فرمیستی را مورد انتقاد شدید قرار دهد. زیرا تئوریهای مذکور طبقه کارگر را در عرصه آیدئولوژیک خلع سلاح میکرد و رشد مبارزه انقلابی را در سرنگونی رژیم سرمایه داری متوقف می ساخت. کائوتسکی مغز متفکر بین الملل دوم تاکید می نمود که امپریالیسم محصول سرمایه داری صنعتی بسیار پیشرفته است و ما هیست آن در الحاق هر چه بیشتر مناطق کشاورزی به کشورهای صنعتی خلاص میشود. این دریافت با ما رکیسم تبارین دارد، زیرا تضاد های خاص مرحله جدید سرمایه داری را مسکوت میگذارد و ویژگی عمیق سرمایه داری را که عبارت از سلطه

### ۲- امپریالیسم سرمایه داری انحصاری است

رشد امپریالیسم به فرمانروائی انحصار آت انجام میدهد. لنین برای پدید آوری انحصارات به چهار شکل اساسی زیر اشاره میکند:

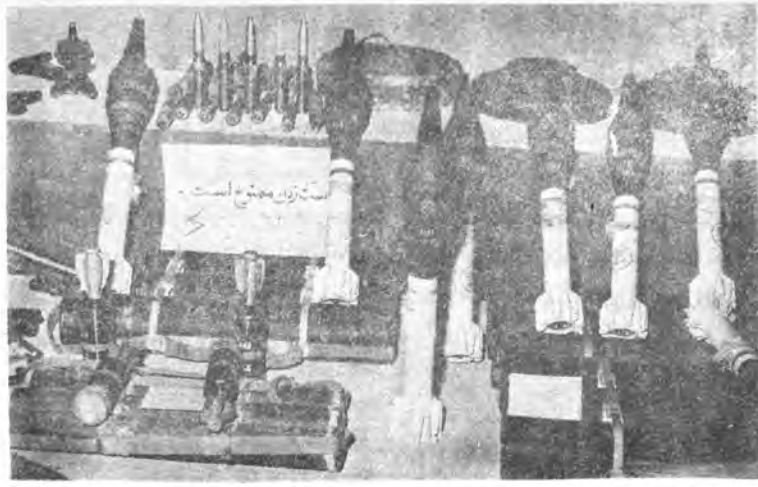
بقیه در صفحه ۷

## بقیه گواهی چشم و گوش

اجامه دادند: امروز نیز، فعالیت سازمان دلاور در امر سواد آموزی و اشاکردن زنان به حقوق و وظایف انقلابی خویش چشمگیر است. هوا ارتابش نوار فکن های تلویزیون را اغشته از یک بز تپسای برهنه و رگوشه های تالارکاری ساخته نیست. با این همه، تمایز گوناگون در بین نام، مغولستان، اتیوپی و اتحاد شوروی سخناتسی می گویند و پیام زنان و مادران کشور خود را به زنان دلاور افغان تسلیم می کنند.

بیرون می آیم.

ساعت هفت به دیدن سلاح هایی که از شورشیان گرفته شد داست می رویم.



گوشه ای از سلاح های بدست آمده از شورشیان

جایی انبارمانند با سقف بلند و سکوهای بی رویه در وسط و در کنار دیوارها. توده انبوهی از انواع تفنگ ها و مسلسل ها و موشک ها و مین ها ساخت پاکستان، آلمان غربی، چین، ایران، آمریکا آنجا ریخته است. می توان تیپ های را با این جنگ افزارها مسلح کرد. ولی این همه، و بارها پیش از این، از زخم شکستنا را در مردم می که مصمم به حفظ دستاوردهای انقلاب خویش اند عاجز است و آنچه نصیب دشمنان خلق زحمتکش خواهد شد ننگ است و نفرین تاریخ.

۱- و او تنها کسی است که اینجا همه سیاه به سردارد.



کار را می کند هرچی دادی را ضمیم.

پس یا الله پاچه ات را بالا بزن.  
بالا سی بیلش را زمین میگذارد و شروع میکند پاچه او را بالا بزند. همینکه لوله شلوارش از زمین بلند می شود، کفشها را بر زمین می آورد. بیلش را بر زمین می آورد و تا بالا ای می چرخد و لوله ی فرو می رود.

کاری که حالا برایش کار می کند میگوید:

همه را بقی میگرد ما را چراغ موشی. این بیچاره بیهوشه که سه چهار تا تیم دارد باید کلی اضافه کار کند و مقدار زیادی از زمین را با تیلر زورور کرد. و با بیل کورت بند می کند. کورت بندی که تمام شد بیلش را روی شانه میگذارد و از شالیزا ربیرون می آید.

با بیوه زن صاحب زمین حساب می کند.

کرد. احتیاج زورش به محبت می چربه چکار کنم.

سنی از شنگدشته، اما شکسته شد. حساسی هم شکسته شد. خودش هم این را قبول دارد. مثل سابق نمیتواند کار کند. کمرش خم شد. و با هایش زورم کرده. شالیزا را خودش را کرد. موهایش هم سفید شده. میگوید: باید فکر کرد یگری بکنم. اینطوری نمیشود. و آورد. از زمین رفته ام.

دست و صورتش را که شست با سلام وارد اتاق شد. با مهمانان که غریبه بودند رود را بایستی داشت با صاحبخانه نه خودش را از مهمانان کنارتش بگذارد. و به آنها نزدیک شود. از نگاهش خجالت و شرم می بارد. گوشه اتاق نشست. پشت به دیوار داد و کمرش را راست کرد. سینی چای که نزد یکش شد دست برد و استکان چای را برداشت. چای داغ را هورتی بالا کشید. خجالت می کشید خستگی را نشان دهد. اما معلوم بود که چقدر خسته است. زوارش در رفته بود. خیلی کم حرف می زد. حتی وقتی به او گفت:

پدر خسته نباشی.

لبخندی از سر خجالت زد و آرام گفت:

مرحمت شما زیاد.

بها و نزد یک شدم. اما حرقی نبودم. گذاشتم تا آرام چایش را بخورد و خوب به دیوار تکیه. هد. همه بیرون رفتند. همینکه حالش جا آمد. گفت:

پدر خیلی خسته شدی. بخواب.

به خستگی عادت دارم. هیچ وقت

از یاد نمیروم زفته. هر روز که خسته می شوم هنوز استراحت شب خستگی را از تنم رنیاورد. باید بلند شوم.

نومنگا هل محل نیستی.

نه خونم لعوت. میدونی کجاست؟

آره. بین قزوین و طالقان.

آی پیرشی. تا حالا آنجا رفته ای؟

نه، اما شنیدم.

سببی پوست می کند. صبر می کنم تا سیب را بخورد. خودش را جای می کند. نزد یک می شود. بلند می شوم و پیرایش می ریزم. اسمش با قراست اما به او بالا می می. گویند. لچه قزوینی دارد. مردم خیال میکنند که ترک است:

بچه بزرگم کلاس چهارم ریاضه سال

داره. و تاد خترد آرم. اولی کلاس اوله هفت سال داره. و می چهار رساله سن.

دلت تنگ نشده. چند ماهه

اینجائی؟

ای سه چهار ماهی می شه. باید عادت

## بالاسی

محمد قاسم زاده

با محبت جدا میشود. بیلش را بر زمین می آید و به دنبال کار میگردد. میگوید:

هر وقت کار می کنم همه چیز را فراموش می کنم. همه چیز را. برادرم کارخانه پسی کولا کار می کند. خونهش خیابان ریاط کریم است. هر وقت اینجا کار پیدا می شود، میروم تهران پیش او. برادرم دیگر رفته نبروهوائی حالا همدان. با ما قطع رابطه کرده. یکسال رفت آمریکا و ویرید. بعد برگشت از همدان زن گرفت. اسمش گل برابود. عوض کرد. گذشت بهروز. یکبار رفتم خونهش. مرا بیهوش و ستایش نشان داد. وقتی آنها مراد دیدند گفت: از دها تیهایی ولایت است. برام کمره آورد. من هم ناراحت شدم. فردا با روبندیل راجع کردم موزد مبه چاک. دیگر خانهش رفتیم او هم نیامد.

از کنار مزرعه رد میشود. سه چهار تا کارگر مشغول کارند. مردی که پیدا است صاحب مزرعه است فریاد میزند:

بالاسی بیکاری؟

آره مگر کار آری؟

دوروزی کار دارم. میتوانی کمک کنی؟

چرا که نتوانم؟

روزی چند میگیری؟

تا حالا با کی چانه زد که حالا با تو بزنم.

پاچه شلوارش را بالا میزند. تا جائی که بالاتر از نوازش میرسد. پسرک کنارش هندل تیلر را می کشد. تیلر به صداد می آید. بالاسی تیلر را در ندهد. یک میگذارد و حرکت میکند. پاهاش در رگل فرو می رود. تیلر گلها را به جلو میبرد. چند بار میروم و برمیگردم. همینکه زمین خوب نرم شد، تیلر را خاموش می کند و می آید بیل را بر زمین می آید و مرزها را ریخته می زند.

بالاسی چند سال است می آیی اینجا کار می کنی؟

حدود هفت هشت سالی می شه.

دیگه نمیتونم و ام بیارم. رنجوبت زیاد.

همیشه که اینجا کار نیست. نشانه که تمام شد از اینجا میروی؟

ای بابا خیال می کنی استراحت دارم. بعد از اینجا باید بروم لعوت. تازه کار آنجا شروع میشود.

از حرکتش معلوم میشود که دارد از ما می افتد. اما خودش نمیخواهد این را بروز دهد. زیاد بخودش فشار می آید. اما همدان را فهمیده اند. برای اینکه آنها را که کار زیاد دارند و را خبر نمیکنند. کارگرهای جوان را می برند. همینکه یگر کارگری پیدا نشد، آن وقت به سراغ بالاسی می آیند. مثل این صاحب

## درباره داستان قرقیزی

نویسندگان چون کاظم کایف، قنبرعلی بولف، تنگ کاظم بیگف شید انبای عبدی را مانف که نوشتن را در دهه پنجاه آغاز کردند. چون داستانهای جالبی ارائه دادند. جای برجسته داستان کوتاه در ادبیات بویژه در دهه شصت با پیدایش تازهای از داستان نویسان چون بلکلطان با کایف، عبدی کلی ملاکاتف، ماربا جیف سیرزاکا پارف، گودای برجنیا پارف، آشیم کایف بگف، کنش ژوزوویف سیت جتی میشف، امان ساسپایف. آشکار شد. کارهای آنان هم در شکل وهم و محتوا تازهاست شخصیت های شان را از میان معاصران ما - کارگران، دهقانان و روشنفکران و دانشجویان بر می گیرند.

یکی از مهمترین کارهای نویسندگان قرقیز، بیان ادبی زندگی و معنوی انسان شوروی است. توجه خواننده مراد را این زمینه به داستان "پل آناریا" نوشته کاظم کایف جلب میکنیم.

در میان داستانهای این زمان قرقیزی، تعدادی دارای "سبک مستند" هستند. حال آنکه، بعضی ها غنائی و بیاد آموزند. داستان کوتاه مراد کادکان و بزرگترها بیشتر می پسندند. در این راه موسی مورالیف کتابهای با ارزشی منتشر کرد. مانند سینما بر پیشرفت داستان کنتونی قرقیزی تأثیر سودمندانه ای داشته است.

در بسیاری از داستانها نویسندگان جوان، مفهومی روان شناسانه و برداشت نویسندگانه با تکنیکهای سینمایی مانند: مونتاژ و ترکیب القاء میشوند.

داستانهای نویسندگان قرقیزی تنها فیلمنامه های برای سینمای ملی اند، بلکه مایهها، عقیدهها، شخصیتها و رنگ خود ویژه ملی را دارند. نخستین فیلم ساخته شده استود یوقر قرقیز فیلم "اشتباه من" بر اساس داستانی از اعلی توگمایف بود. "موج گرما" "پسر سرباز" و "سبب سرخ" را هم بر اساس داستانهای چنگیز آیتما تف، فیلم کردند.

داستانهای نویسندگان قرقیزی به سبب برخورداری از زمینهی پایان ناپذیر چشمه سارهای کوه می مانند. این چشمهها آزادانه به رودخانه های زلالی می پیوندند که به اقیانوس ادبیات شوروی سرازیر می شوند.



### پوزش

خواهشمند است غلط های چاپی سرمقاله مند رج در شماره ۴۰ را بدین ترتیب اصلاح فرمائید.

صفحه اول - ستون اول - سطر ۶ بجای انتخابات، انتخاب  
صفحه ۸ - ستون دوم - سطر اول بجای عمر شان، عمل شان

### کنگره اخیر جبهه آزادی

انجمن آریس از اعلام استقلال کامیابیهای چشمگیری در زمینه های گوناگون بدست آورد است. در فاصله ۱۹۶۷ و ۱۹۷۸ مجموع سرمایه گذاریهای این کشور ۳۰۰ میلیارد دینار (دولار آمریکا ۲۶٪) یک دینار) بوده است. مزارع خودگردان در بهترین اراضی متروک استعمارگران فرانسوی برپا گردید. بانکها و شرکتها بیمه، وسائل حمل و نقل، تولید نیروی برق، صنایع معادن و بسیاری از شاخه های دیگر صنعتی ملی شد.

ملی شدن صنعت نفت و گاز در زمانه برای استقلال اهمیت بسیار زیادی داشته است. سال گذشته فروش گازونفت (تولید کلی تقریباً ۵۷ میلیون تن نفت و گاز زولین و ۴/۲۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی) ۳/۹ میلیارد دلار به ارمغان آورد که ۹۶٪ ارزش صادرات ملی را تشکیل میدهد. تأسیسات صنعتی مدرن شتاب معقولی یافته است. در ژانویه ۱۹۷۸ قانون انحصار بازرگانی خارجی به تصویب رسید. بخش دولتی که به سرعت توسعه مییابد، ۹۰٪ تولید صنعتی را در دست دارد.

برای اجرای اصل "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" و محدود کردن زمینها و چراگاههای خصوصی اقدامات مشخصی طبق قانون "انقلاب ارضی" مصوب ۱۹۷۱ به عمل آمد. در ۱۹۷۹ بیش از ۶۳۰۰ تعاونی کشاورزی تأسیس شد که ۲۷۰۰۰ هکتار را در خود گرد آورد است. این تعاونی ها ۳/۱ میلیون هکتار زمین ملی شده را اختیار دارند. بیش از ۱۰۰ هکتار نمونه بوجود آمده است.

در واحدهای صنعتی، شرکتها ملی و ادارات "انجمنهای زحمتکشان" تأسیس یافته. این انجمنها مأموریت دارند بهره روری کار را بالا ببرند، باقرطاس بازی و اختلاس مبارزه کنند. کارگران و کارمندان را با فتنه مدیریت تولید آشنا کنند. در زمینه محو بیگاری پایان دادن به بیسوادی و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان کوششهای سودمندی به عمل می آید. دهقانان بسیاری فقیر و ساریز زحمتکشان کم مزد از پرداخت مالیات معاف شده اند.

میزان حداقل مزد ها بالا رفته است. از ۱۹۷۴ ماراتبه های بهداشتی رایگان شده و تأمین اجتماعی بهبود یافته است، طرح تعلیم و تربیت از ۸۰٪ تجاوز کرده است.

در عین حال سالهای سپری شده نشان داد که الجزایر باید با مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کند. یک سلسله عوامل منفی خارجی اجرای نقشه های آبی را با مشکل روبه رو کرده است؛ مانند بحران اقتصاد در نیای سرمایه داری و بالا رفتن نرخ تجهیزات و مواد غذایی که بیش از ۹۰٪ واردات را تشکیل میدهند. به نوشته هفته نامه "انقلاب آفریقا" و ام خارجی الجزایر در ۱۹۷۸ ۵۶ میلیارد دینار روبهره و امها تقریباً به ربع درآمد های صادرات رسید. در ده سال اخیر فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، ایالات متحد آمریکا، ژاپن و ایتالیا ۷۰٪ مبادلات الجزایر را در دست شتاند. بدهی ملت پائین بودن بازده محصولات آذوقه ای الجزایر را چارشد. در ۱۹۷۹ بالغ بر ۸/۴ میلیارد دینار مواد غذایی وارد کرد. مشکلات در رونی هم وجود دارد؛ عقب ماندگی در استفاد کامل از ظرفیتهای صنعتی، ناسودمندی برخی مؤسسات، نبودن تخصصین و کارگران متخصص، نارسائی در مدیریت اقتصاد از جانب برخی وزیران و شرکتها ملی.

این مسائل نمیتوانست نظر رهبران الجزایر را به خود جلب

نکند. در نشست های دوره ای کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش ملی مسائل متعدد در مورد رشد اقتصاد - اجتماعی به دقت مورد بررسی قرار گرفت. مطابق با این تصمیمات بود که طرح برنامه پنجساله رشد اقتصاد الجزایر برای ۱۹۸۴ - ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت. شادنی بن جدید رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر و دبیرکل جبهه آزادی بخش ملی اعلام داشت که برنامه رشد اقتصاد - اجتماعی و فرهنگی مورد بحث هرچه بیشتر توجه خود را به ارضای نیازهای حیاتی تودها معطوف میدارد. مسئله در جای نخست عبارتست از تأمین پیشرفت کشاورزی ساختن مسکن، آبیاری زمینها، ذخیره کردن مواد غذایی و کالاهای مورد مصرف به مقدار کافی بنسب جمعیت روبه افزایش. طرح ضمن تعقیب خط مشی صنعتی شدن روی گسترش بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت و حمل و نقل همگانی تکیه میکند. تا مسائل بسیار مبرم هرچه سریعتر تنظیم شود و استقلال واقعی اقتصاد الجزایر کشور تضمین گردد، برنامه ریزان تغییرات قابل ملاحظه ای در سیاست اقتصادی وارد کردند. کنگره روی ضرورت بهره برداری معقولانه از ثروت ملی، نفت و گاز پیشا کرد و از میان برداشتن عدم متناسب بین شاخه های مختلف اقتصاد را خواستار شده است.

مانند برنامه های پیشین، طرح مورد بحث اولویت را به رشد و تحکیم بخش دولتی داد. اما امکانات وسیعی نیز برای استفاده از سرمایه ملی در چارچوب "مالکیت خصوصی غیر-استثمارگر" که بطور رسمی شناخته شده و پیش بینی کرده است. سخنرانان نظر خود را در باره کنترل شدید بخش خصوصی و "محو بورژوازی ملی" دلالت که با منافع سرمایه داری خارجی پیوند دارند اعلام داشته اند. لازم به تصریح است که بخش خصوصی سه چهارم تجارت و خدمات عمومی را زیر نظر دارد و ۶۰٪ جمعیت فعال در این بخش مشغول کارند.

کنگره رهانیدن الجزایر از وابستگی به خارج در زمینه های اقتصاد، علوم و فنون و تربیت کادرها و وظیفه خود قرار داد. تعدد ادرا از نمایندگان اعلام داشتند که اقتصاد الجزایر باید خود را از سلطه امپریالیسم و شرکتها ی چند ملیتی برهانند. آنها توسعه همپاری با کشورهای در راه رشد و کشورهای سوسیالیست را خواستار شدند. پلنوم کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش ملی در ۱۹۷۹ اجرای این سیاست را حیاتی دانسته است. نمایندگان کنگره و سازمانهای تودهای ضرورت ادامه تعمیق اصلاحات ترقی خواهانه را تأکید کردند. نمایندگانش تودهای ملی به اختصار گفت "بحث در باره انتخاب راه رشد سوسیالیستی و اصول منشور ملی زائید و پیورود است."

کارهای کنگره مخصوصاً روی بهبود و تکمیل فعالیتهای جبهه آزادی بخش ملی متمرکز بود. مسئله تبدیل این حزب به یک پیشاهنگ نیرومند بر اساس معیارهای منشور ملی و سند برنامه انقلاب الجزایر پس از مدت ها در دستور قرار گرفت.

جبهه آزادی بخش ملی در ۱۹۵۴ بعنوان مجمع وسیع عناصر مختلف نیروهای میهنپرست که بخاطر یک هدف متحد شده بودند، بوجود آمد. این هدف طرد استعمار بود. این جبهه نمایندگان دهقانان، کارگران و خرد بورژوازی شهرها و بورژوازی ملی را متحد ساخت. خصلت متضاد هدفهای اجتماعی این عناصر موجب بغرنجیها و حتی رویاروییهای سیاسی بالنسبه طولانی شده است. جبهه آزادی بخش ملی در ریافت طبقاتی در باره عضویت در حزب، کار پایه سیاسی مشخص ساختارهای استوار آنند.

رهبران الجزایر با وقوف به اینکه اجرای منشور ملی مستلزم توسعه پایه رژیم دیناری است، در رساله های اخیر مصعانه به توسعه و تحکیم ساختار حزب، دولت و جامعه پرداخته اند. چهارمین کنگره که در ژانویه ۱۹۷۹ برگزار شد و اساسنامه دائمی و مقررات درونی حزب را تصویب نمود و کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را انتخاب کرد، گواه روشنی به راه دشوار تبدیل جبهه آزادی بخش ملی به یک حزب نیرومند و فعال است.

مباحثات جدید در باره مسائل سازمانی قبل از هر چیز توجه به موقعیت دستگاه و ارگانهای اجرائی حزب را ناگزیر ساخت. شادنی بن جدید در کنگره اعلام داشت: "تنها به یاری و پشتیبانی همه آنهاست که صادقانه به گزینش سوسیالیستی ملت باورمندند، میتوانند صفوف حزب را سالم سازند و پیروزی انقلاب را تضمین نمایند." خبرنگاری الجزایر پریس سرویس در تفسیری یاد آور میشود که در مرحله کنونی "پرهیز از پذیرش عناصر فرصت طلب یا واپس گرا و به عکس استقبال از مبارزان انقلابی بدون قید و شرط" اهمیت بسزائی دارد.

کنگره فوق العاده اساسنامه حزب را اصلاح نمود و جبهه آزادی بخش ملی بعنوان "حزب پیشاهنگ خلق الجزایر" و "حزب واحد" اعلام شد. هدف حزب "ساختن سوسیالیسم در چارچوب ارزشهای ملی و اسلام" است. این مراجعه به "ارزشهای عمیق اسلامی" مشخصه ایدئولوژی دموکراتیک انقلابی الجزایر است. تکیه به این ویژگیها کوشش مسلمانان را مستگرا در راه مبارزه با وحدت یا هواداران گزینش راه سوسیالیستی ناکام میسازد.

بناباه تصمیمات کنگره در فترسیاسی عضو کمتری خواهد داشت، در عین حال تصمیم گرفته شد که آنها از جانب دبیرکل انتخاب میشوند. سپس مورد تصویب کمیته مرکزی قرار میگیرند. دبیرکل وظایف را بین اعضای دبیره تقسیم خواهد کرد و رهبران فدراسیون های منطقه را انتخاب خواهد نمود. جلسه نوبتی کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش ملی که در پایان ژوئن گذشته برگزار شد در فتر سیاسی را مرکب از هفت نفر تأیید نمود.

تحکیم ساختار حزب، بهوجب اصل دموکراسی انقلابی و تجدید سازمان هیئت اجرائی مرکزی آن به تأمین و تثبیت نظارت حزب به عنوان نیروی رهبری انقلاب الجزایر در اجرای منشور خط مشی سیاسی جبهه آزادی بخش ملی کمک خواهد کرد.

کنگره در تصمیم سیاسی عمومی خود عزم راسخ الجزایر را به ادامه مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار و نژاد پرستی و پیشینیان از مبارزه خلقها در راه آزادی ملی اعلام نمود. کنگره قویاً موافقتنامه جد آگانه کمپ دیوید را محکوم کرد و خلقهای عرب را به بسیج نیروی خود در رشد فعالیتها برضد امپریالیسم و صهیونیسم فراخواند.

این موضعگیری کنگره در شرایطی روی میدهد که وخامت اوضاع بین المللی تحت تأثیر فعالیت محافل امپریالیستی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا شدت مییابد و این محافل تلاش میورزند در امر تشنج زدائی اخلال کنند و سلطه خود را بر ملت های دیگر بخصوص خاور نزدیک و میان و آفریقا تحمیل نمایند.

بطور کلی، کنگره انعکاسی از روند های پیچیده و متضاد است که در زندگی اقتصاد، اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی الجزایر جریان مییابد. در حقیقت کنگره به تصمیمات اصلی مشخصی رأی داد که به پیشرفت مداوم ملت در رگرینش سوسیالیستی کمک میکند.



زحمتکشان ممکن گردانند. بنا براین، تسلط انحصارات به نسبت بسیار زیادی تضاد اساسی سرمایه داری، تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل سرمایه داری، تمکک خصوصی ثمرات تولید را تشدید میکند. در عصر امپریالیسم، نیروهای مولده جامعه به چنان سطح رشدی میرسند که در چارچوب تنگ مناسبات تولید سرمایه داری نمی گنجند.

هفته نامه اتحاد مردم صاحب امتیاز: محمود اعتماد زاده (به آذین) سردبیر: محمد تقی برومند نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹ تلفن: ۴۴۳۸۴ چاپ کاپوان

عظیم را متحد میسازند، رویها را و منابع مواد اولیه جنگ انداخته و کشفیات و اختراعات فنی را احتکار میکنند. بانکهای بزرگ تقریباً همه منابع پولی کشورهای بورژوازی را تحت کنترل خود در می آورند. بنا براین، وجود مالکیت خصوصی سرمایه داری امکان نمیدهد که تولید اجتماعی با سرعت گیری و کنترل آگاهانه گسترش یابد. بنا براین، با اینکه مؤسسات منفرد یا مؤسساتی را میبینیم که در چارچوب گروه بندیهای انحصاری گرد آمدن وارد رجه عالی سازماندهی کار بر خورند، باز هرج و مرج در تولید در مقیاس جامعه ما نرواست. ثروت های عظیم که محصول کار میلیونها انسان است، در دست گروه کوچکی از انحصارات بسیار بزرگ قرار دارد. بنا براین تولید اجتماعی شدت مییابد و بحران و منظم نیامدن آن است که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید لغو گردد و ورژینی مستقر شود که اختصارات کار را بر مالکیت عموم

مستعمرات و مبارزه سرسختانه برای تقسیم و باز تقسیم جهان را تشکیل میدهد. گسترش روند انحصاری شدن در رجهات مختلف ناگزیر به موقعیتی منجر میشود که انحصارات دستگاه دولت را تابع خود میسازند و با آن در می آمیزند. آنها دستگاه دولت را برای حفظ و تحکیم فرمائیت خود در زندگی سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار میدهند. نیروهای دولتی و نیروهای انحصارات تنها برای تشکیل یک مکانیزم که به نفع انحصارات عمل میکنند، متحد میشوند.

**تشدید تضاد اساسی سرمایه داری بر اساس سلطه انحصارات** تسلط انحصارات به مقیاس بسیار وسیعی موجب اجتماعی شدن تولید میگرد. خصلت اجتماعی تولید با گرد آئی تولید تحکیم مییابد. انحصارات مؤسسات

**مقام امپریالیسم در** ۱- انحصارات بواسطه تمرکز تولید سرمایه داری خود را در تولید و فروش کالاها برقرار میکنند. ۲- فرمائیت انحصارات به قبضه کردن منابع مهم مواد اولیه منجر میگردد. شاخه های پیاپی تولید (متالورژی، انرژی، پلاستیک، نفت و غیره) تا درجه بسیار عالی انحصاری میشوند. موقعیت ممتاز این شاخه ها به سبب قرار گرفتن منابع مواد اولیه در دست انحصارات تضمین میگردد. ۳- گرد آئی و تمرکز فعالیت های بانکی به انحصارات امکان میدهد که قدرت آنها تحکیم شود. بانکها به انحصارات بزرگ تبدیل میشوند. اولیگارشی مالی بر نهاد های اقتصاد سوسیالیسم جامعه بورژوازی امروزی تسلط مییابد. ۴- انحصار مولود سیاست استعماری است و از این رو، عصر مالکیت انحصاری

# گره‌های درکار است

**بقیه:** بی شک گره‌های درکار است چرخهای دستگای که پس از انقلاب و به نیروی انقلاب ساخته و پدید آمده‌اند، اینک در لحظه ای که می‌باید کارهای خود را شروع کند، نمی‌گردد چرا؟ آیا دشمن است که اینجاست رکا را خلال می‌کند؟ زود و آسان می‌توان به این سؤال پاسخ مثبت داد. شاید هم با و راندن آن به توده های هوادار و روبرو انگیزتنشان بر ضد رقیبان مزاحم سخت و سوسه انگیزی باشد. ولی، این چیزی نیست که به حل مسئله کمک کند. آخر، در امری که در چهار دیواری خود مکتب می‌گذرد، چگونه می‌توان دشمن را دخیل دانست؟ نه، گره کار در جای دیگر است. در آن است که انحصار طلبی در راه جامعه انقلابی ایران، اگر هم در عاجل کار رزیا نبخش به نظر نیاید، عقیم است. تجربه ایسن یک سال و نیم انقلاب می‌آموزد که برکنار داشتن نیروهای راستین انقلابی به هر بهانه که باشد انقلاب را دچار کم‌خونی می‌کند و از قدرت مفاومتش می‌کاهد. نیاز به ریزینی و همکاران با نیروهای پیرو خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی واقعیتی است که خود را تحمیل می‌کند. وجه بهتر که با عزمی صادق و هر چه زود تر این نیاز جامعه و انقلاب برآورده شود، اما آنچه می‌بینیم، هنوز با فشاری در تعصب راه را بر محل معضلات می‌بندد. هنوز در راه از انیم که بداند چه واقعیت بفرنج و تودرتویی است جامعه معاصرو اعتراف کنیم که نمی‌توان با تصورات و ساخته‌های ذهنی برجین واقعیتی تحکم کرد. اگر دید روشنی از واقعیت اموریان و جهان در رکار می‌بود، اگر اصول "مکتب" در رابطه با انقلاب و نیروهای تکیه‌گاه آن به درستی تعریف و اعلام می‌شد، بویژه اگر صف بندی این نیروها بر حسب رابطه‌شان با کار و مالکیت و استثمار (همان گونه که در واقعیت اجتماعی صورت می‌بندد) در نظر گرفته می‌شد، مسئله انتخاب نخست وزیر و هیئت دولت چنین درگرو تعبیری که این یا آن گرایش از اختیارات رئیس جمهوری یا مجلس شورای اسلامی در آن زمان نمی‌ماند. زیرا مردم و نیروهای انقلابی، به معیار حقوق و مصالح مشخص زحمتکش و محرومان، این انتخاب را بر مراد کسز قدرت جمهوری اسلامی ایران آسان می‌نمودند، و اگر لازم می‌افتاد تحمیلش می‌کردند. اما اکنون مردم را به هم گرفتارند و بجزر آن تعیین نخست وزیر می‌تواند همچنان ادامه یابد. مگر آن که برای تسریع کار و ایجاد "وحدت" بر پایه خطری که گویا هر دو گرایش قدرت را تهدید می‌کند، دست به پارهای ماجراجویی‌ها در داخل یا رویه خارج زد. و این خطر را با زیستراست

# در هفته گذشته

تدریجی "روابط دیرین و دوستانه ایران" همه وسایل اقتصادی، نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک را بکار گرفته است. نامه خدعه آمیز کنگره آمریکا همزمان با مردن شاه مخلوع و اعزام ناوگان های ویژه به اقیانوس هند و خلیج فارس از بعد مختلف توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برد می‌گیرد. نامه مضای ۸۰ نماینده کنگره آمریکا به وسیله کاردار ارسفارت سوئیس به حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی تسلیم شد. این خبر و عین نامه و پاسخ شایسته ای که حجت الاسلام رفسنجانی به کاردار ارسفارت سوئیس داد در جلسه روز چهارشنبه ۸/۵/۹۹ مجلس به وسیله خود ایشان مطرح شد و در رسانه های گروهی هفته گذشته نیز انعکاس یافت. مفاد این نامه، در عین آن که ماهیت اغوا کننده داشت، تهدید آمیز بود و مجلس شورای اسلامی را به محل مسئله گروهی که آنها به سود امپریالیسم آمریکا ترغیب می‌کرد. موضع نام آزار آن جهت اغوا کنندگان است که به کلی بر سیاست تعرض امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چشم فروری بندد و در عوض ایران را در مقابل خطر مبهمی که از جانب "نیروهای سلطه طلب" متوجه هردو کشور ایران و آمریکا است هشدار می‌دهد. طبعاً برای این ۸۰ نماینده انحصارات امپریالیستی نهایت وقاحت لازم است تا دولت خود را که می‌شمارند را مورکشورهای نو استقلال خالت می‌کند از سلطه طلبی میرا و در معرض خطر واهی و مشترک با ایتران قلمداد نماید. به راستی که برای این نمایندگان باید وقاحت از حد گذشته‌ها شد تا در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی اش جمهوری اسلامی ایران را در محاصره اقتصاد قرار دادند و نیروها نظامی آمریکا با واقعه طیس به تاج و آشکار

نظامی در ایران پدید آمده و اقیانوس هند و خلیج فارس با افزایش تدارک نظامی خود ایران را به تهدید نمود مواند و خسته های ارزی ایران در ربا نکهای کشورهای امپریالیستی را بلوکه کرده است، این چنین قیافه حق به جانی برای خود گرفته‌ها شدند. ولی همین نمایندگان حتی با کلمه ای هم پلیس کشور خود را از رفتارفا شیستی نسبت به دانشجویان ایرانی پیرو امام خمینی در آمریکا منع نمی‌کنند. چه وجه مشترکی می‌توان بین یک کشور نوخاسته که از بند های امپریالیسم آزاد می‌شود و بزرگ ترین کشور امپریالیستی یافت که نمایندگان کنگره آن از تفاهم بهتری در راهد اف و آرمان های یکدیگر "دم میزنند؟! لا بد این نمایندگان انحصارات امپریالیستی به خوبی می‌دانند که با این قبیل نامه‌ها نخواهند توانست مردم ایران را بفریبند و یا مجلس شورای اسلامی را به تصمیعی علیه مصالح انقلاب مجبور کنند. ولی آنان امیدوارند که این تمهید را در نظر مردم آمریکا به مثابه ابتکاری در جهت رفع بحران با ایران جلوه دهند تا برای تحریکات و توطئه‌ها ایستای امپریالیسم آمریکا در ایران پشتوانه ای در افکار عمومی کشور خود فراهم کرده باشند. ولی مسلماً این نیرنگ سیاسی کنگره آمریکا، که در عین سیاست تهاجمی و تشنج آفرین آن کشور علیه ایران به کار رفته است، آب و رنگی نخواهد داشت و به طرقداران ایرانی سیاست معاشرت با آمریکا هم کمکی نخواهد کرد.

در حالیکه نمایندگان کنگره آمریکا برای فریب افکار عمومی در نامه خود به مجلس شورای اسلامی سالوسا نه از تفاهم بهتری در راهد اف و آرمانها "!!!" دم میزنند. پلیس تبهکار آمریکا وحشانه به جان دانشجویان مبارزان را در آمریکا افتاد و به طرز بی سابقه ای آنها را در زیرمشت و لگد و با تون مضروب و مجروح ساخته و بیش از دست تن آزاران را بزند ان افکنده اند.

حمایت پلیس آمریکا از ازران هزنان و جنایت کاران اندک شمار رژیم سرنوگون شده طاعون یکبارد یگرنشان داد که بین مردم ایتران و امپریالیسم آمریکا اقیانوسی از خون فاصله است.

# بقیه پارلمان جهانی ملتها برای صلح

در این سی و پنجمین سال در هم شکسته شدن فاشیسم هیتلری مرد مصلحت دست همه کشورهای در جرحن ها و مراسم یادبودی که به این مناسبت برپا شد به دعا خواستند که هرگز جنگ دیگری روی نماند. آنها همچنین به مناسبت پنجمین سالگرد کنفرانس هلسینکی برای امنیت و همکاری در اروپا، عهد خواهند بست که روح هلسینکی را زنده نگاه دارند و در ریشبرد آن بکوشند. در پارلمان جهانی ملت ها برای صلح، نمایندگان سازمانهای بین المللی، نمایندگان و ناظرانی که هر یک به نام از سوی کمیته بین المللی تدارکاتی دعوت خواهند شد، و همچنین هیئت های نمایندگی ملی شرکت خواهند داشت. هیئت های نمایندگی ملی مرکب خواهند بود از: نمایندگان دستگاههای رهبری احزاب و سازمانهای توده ای، شخصیت های نامبردار سطح ملی و بین المللی که هر یک به نام دعوت خواهند شد، نمایندگان کانی که در اجتماعات و کنفرانسهای استان و شهرستان و رکارخانه ها و ادارات و دانشگاهها و غیره انتخاب خواهند شد. بویژه تأکید خاص بر آن است که گروه اخیر مستقیماً از سوی مردم انتخاب شوند. و خود مردم مهزینه اعزام این نماینده ها را با پولی که در شهرستانها و محل های کار جمع آوری خواهد شد بپردازند. در جریان تشکیل پارلمان جهانی، کمیسیونها، میزگردها، گروههای کار، جلسات سخنرانی و گرد همایی های نمایندگان قاره ها فعالیت خواهند داشت. اهم موضوعاتی که پیشنها می‌شود در این جلسات مورد بحث و بررسی قرار گیرد چنین است:

**کمیسیونها**  
پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، تأمین خلع سلاح - استقلال اقتصادی، استقرار نظام جدید اقتصاد بین المللی - مسائل انرژی و پیوند آن با مبارزه در صلح و استقلال ملی - امنیت و همکاری در اروپا - همبستگی با مردم فلسطین و دیگر خلقهای عرب

سهام جنبش کشورهای نا وابسته در مصلح و استقلال ملی - مبارزه با سیاست امپریالیستی مداخله گری و ایجاد تعدد مشبات - مبارزه با نژاد پرستی و سیاست تبعیض نژادی

**میزگردها**  
مرکب از نمایندگان اتحادیه های کارگری، سازمانهای زنان، جوانان و دانشجویان، نمایندگان مجالس ملی، محافل مذهبی، کارکنان رشته های تعلیم و تربیت، آموزش علوم و فرهنگ و غیره. در این میزگردها، موضوعاتی مانند مبارزه برای تبدیل صنایع تسلیحاتی به صنایع فراورد های زمان صلح، نتایج به دست آمده در زمینه اول و دوم رسال بین المللی کودکان، دفاع از فرهنگ های ملی و تربیت در خلع سلاح مورد بحث قرار گیرد.

**گروه های کار**  
موضوعهایی که پیشنها می‌شود عبارت است از: همکاری با دیگر سازمانهای غیردولتی - فعالیت به منظور پشتیبانی از کوششهایی که در سازمانهای وابسته به ملل متحد یا در سازمانهای بین دولتها در صلح و استقلال ملی صورت می‌گیرد - گسترش انتشارات و تبلیغات صلح - افزایش منابع مالی - همکاری میان نیروهای مختلف سیاسی - گسترش شبکه سازمانهای پایه ای صلح.

**سخنرانیها**  
در باره موضوعهای مختلف، از جمله تاج و زبحه حقوق بشر - نژاد پرستی و تبعیض نژادی در ریشلی و اورگوئه، آفریقای جنوبی سرزمین های اشغالی عرب، آمریکا شمالی - وضع کارگران مهاجر در اروپا - وجود مختلف نژاد پرستی در مناطق مختلف. **گرد هم آئی بر حسب قاره ها**  
چهار جلسه قاره ای تشکیل خواهد شد: آفریقا - آسیا و

در چنین وضع و احوال حساسی تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت جدید از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تشکیل دولت جدید بر اساس رهنمود امام که به ضرورت انقلابی بودن آن تأکید دارد. ضربه کاری به توطئه های امپریالیسم و سازش کاران داخلی است. عناصر سازشکاران از نیرو تشکیل دولت انقلابی وحشت دارند. از اینرو با انواع کارشکنیها، تحریکها، شایعه پراکنیها، نفاق افکنیها و سوسه های گوناگون آن قدر موضوع را کش میدهند تا با خسته کردن مردم مقصود خود را به کرسی بنشانند و دران دولت موقت را در باره به انقلاب تحمیل کنند. تنگ نظریها، گروه گراییها و خود بینیها - هابفتنه انگیزی سازشکاران و نیمه راهبان میدان می‌دهد.

اوضاع نا هما هنگ، متشت و نا بسامان فعلی مورد بهر میرد ازی خصمانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است که پس پشت هرا انقلابی کمین می‌کند تا ضربه کاری نهایی را وارد آورد.

باید با تفاهم انقلابی، همگامی و همفکری در تعیین نخست وزیر همت گماشت و مجال نداد، تبلیغات چپ های ضد انقلاب از آن به سود خود بهره گیرند و به عوام فریبی و توطئه چینی خود ادامه دهند.

ضد انقلاب از هر روز تأخیر در تشکیل دولت جدید بر اساس رهنمود های امام در تضعیف انقلاب و خورد کردن راد هوایمان مردم استفاده می‌کند.

تشکیل دولت جدید با روحیه انقلابی می‌تواند سیستم هما هنگی از ارکان سه گانه مقننه، اجرائیه و قضائیه را قلمداد و شورا ربا در تناك کنونی بوجود آورد و انقلاب را در جهت تحکیم و تعمیق و تثبیت به پیش براند. کسانی که امروز علی رغم حکم انقلاب و ضرورت های آن در کار سازمان گرفتن انقلابی امور کشور را اختلال می‌کنند، فردا در برابر تاریخ رسوا و جوا بگو خواهند بود.



اقیانوسیه - آمریکا ایالاتین و حوزه های ریای کاراییب - اروپا و آمریکا شمالی.

شورای جهانی صلح، به منظور تشکیل پارلمان جهانی ملت ها برای صلح، یک کمیته تدارکاتی بین المللی ترتیب می‌دهد که نمایندگان سازمانها و جنبش های عمده بین المللی و همچنین شخصیت های برجسته و رهبران احزاب مختلف سیاسی را برای شرکت در آن دعوت می‌کند. از آن گذشته، در هر کشوری یک کمیته ملی تدارکاتی، مرکب از نمایندگان احزاب و سازمانها و همچنین شخصیت های برجسته تشکیل می‌شود. کمیته های ملی و بین المللی تدارکاتی، هر یک در حیطه عمل خود، می‌باید پس از بحث در باره موضوع های مورد علاقه، به تنظیم طرح قطعنامه ها و دیگر اسناد برای ارائه به پارلمان جهانی اقدام کنند. بویژه کمیته های تدارکاتی ملی، به همین منظور، پارلمان ملی خود را تشکیل خواهند داد. در پارلمان های ملی و محلی، در رکنها، کنفرانسها و میتینگها نمایندگان کانی که باید در پارلمان جهانی ملت ها برای صلح شرکت کنند انتخاب خواهند شد و مجموعه این فعالیتها می‌باید به بار نتیجه طبیعی منجر شود که وسیع ترین پیوستگی و همکاری نیروهای سیاسی و اجتماعی با شعارهای زیر صورت پذیرد:

هیستری جنگ سرد را متوقف سازیم!  
به تترامک جنگ افزارها پایان دهیم!  
به پیروزی های تازه صلح و استقلال ملی بکوشیم!  
تشنج زدایی را تحکیم بخشیم!